



University of Tehran Press

Comparative Law Review

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

Online ISSN: 2423-3404

Volume: 17, Issue: 1
Spring & Summer
2026

Criminal Protection of Privacy in Iranian and French Law: Comparative Analysis and Proposed Solutions

Razieh Saberi¹ | Sayyad Bigham Barouj²

1. Corresponding Author; Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: r.saberi@iau.ac.ir
2. Master's Graduate in Criminal Law and Criminology, Department of Criminal Law and Criminology, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. Email: 2741705501@iau.ir

Article Info	Abstract
Article Type: Research Article Received: 2025/07/19 Received in revised form: 2026/02/21 Accepted: 2026/06/05 Published online: 2026/08/23 Keywords: <i>Criminal Protection, Cyberspace, French Law, Iranian Law, Privacy.</i>	Privacy, as a fundamental human right, has become increasingly vulnerable in the contemporary era due to rapid advancements in information technology. The widespread collection, processing, and dissemination of personal data has raised serious concerns regarding privacy violations. State interventions aimed at maintaining public order, as well as individual misuse of technological tools, highlight the necessity of robust criminal protection. Using a descriptive-analytical method and a comparative approach, this study examines the effectiveness of criminal protection of privacy within the legal systems of Iran and France. The findings indicate that the French legal system, due to its coherent legislative framework, precise definition, and alignment with international standards such as the General Data Protection Regulation (GDPR), possesses more effective mechanisms and clearer safeguards. In contrast, the Iranian legal system faces significant legislative and enforcement challenges due to the lack of a comprehensive and clear definition, dispersed regulations, inadequate legal safeguards, and the absence of adaptability to technological developments.
How To Cite	Saberi, Razieh; Bigham Barouj, Sayyad (2026). Criminal Protection of Privacy in Iranian and French Law: Comparative Analysis and Proposed Solutions. <i>Comparative Law Review</i> , 17 (1), 173-207. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2026.396787.634775
DOI	10.22059/jcl.2026.396787.634775
Publisher	The author(s) retain the copyright.



حمایت کیفری از حریم خصوصی در حقوق ایران و فرانسه:

بررسی تطبیقی و ارائه راهکارها

راضیه صابری^۱ | اصیاد بی‌غم باروژ^۲

۱. نویسنده مسئول؛ استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: r.saberi@iau.ac.ir
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: 2741705501@iau.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۶/۰۱ کلیدواژه‌ها: حریم خصوصی، حقوق ایران، حقوق فرانسه، حمایت کیفری، فضای سایبری.	حریم خصوصی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در عصر حاضر و با پیشرفت‌های فناوری اطلاعات، بیش از پیش در معرض تهدید قرار گرفته است. گسترش جمع‌آوری، پردازش و انتشار داده‌های شخصی موجب نگرانی‌های جدی درباره نقض حریم خصوصی شده و مداخلات دولتی به‌منظور حفظ نظم عمومی و سوءاستفاده‌های فردی از فناوری، ضرورت حمایت کیفری از آن را افزایش داده است. نگارندگان پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، کارآمدی حمایت کیفری از حریم خصوصی را در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه بررسی می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد نظام حقوقی فرانسه به دلیل انسجام قانونی، تعریف دقیق و سازگاری با استانداردهای بین‌المللی، نظیر مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR)، از سازوکارهای مؤثرتر و مشخص‌تری برخوردار است. در مقابل، نظام حقوقی ایران به علت فقدان تعریف جامع و روشن، پراکندگی قوانین، ضعف ضمانت‌های اجرا و عدم انطباق قوانین موجود با تحولات فناوری، در عمل با چالش‌های تقنینی و اجرایی جدی روبه‌رو است.
استناد	صابری، راضیه؛ بی‌غم باروژ، صیاد (۱۴۰۵). حمایت کیفری از حریم خصوصی در حقوق ایران و فرانسه: بررسی تطبیقی و ارائه راهکارها. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۷ (۱)، ۱۷۳-۲۰۷.
DOI	DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2026.396787.634775 10.22059/jcl.2026.396787.634775
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

حریم خصوصی یکی از حقوق اساسی بشر است که نقض آن می‌تواند کرامت انسانی، امنیت روانی، آزادی فردی و انسجام اجتماعی را تهدید کند (Fathi & Salmani, 2018: 5). در دهه‌های اخیر و با گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و فضای مجازی، این حق بیش از پیش در معرض تهدید قرار گرفته است (Rostami, Ghamami & Salimi, 2022: 239). ابزارهای ارتباطی جدید، با وجود تسهیل ارتباطات، زمینه‌ساز نقض‌های مکرر و پیچیده حریم خصوصی شده‌اند. در این شرایط، حمایت کیفری از حریم خصوصی نقشی کلیدی در صیانت از حقوق شهروندی دارد و این حق حتی در اماکن عمومی نیز قابل احترام است (Abtahi, Koosha, Montazerqaem & Mirshekari, 2022: 2). اما همچنان پرسش‌هایی اساسی در خصوص حدود، دلایل و شرایط این حمایت، مطرح است. یکی از چالش‌های اصلی، نبود تعریف جامع و مشخص از «حریم خصوصی» در نظام حقوقی ایران است. پراکندگی و ابهام قوانین مرتبط و فقدان تطبیق با مقتضیات فناوری‌های نوین، وضعیت را پیچیده‌تر کرده است. نقض حریم خصوصی می‌تواند از سوی اشخاص، نهادهای دولتی یا سازوکارهای اطلاعاتی و اقتصادی رخ دهد. از این رو، حمایت کیفری باید هم در برابر سوءاستفاده‌های فردی و نهادی و هم در راستای حفظ امنیت ملی و حقوق عمومی طراحی شود. به همین دلیل، طراحی قواعد دقیق و منسجم برای جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی ضروری است.

در نظام حقوقی فرانسه، با تکیه بر اصول حقوق طبیعی و قوانین عرفی، حریم خصوصی به‌صورت کیفری مورد حمایت قرار گرفته است. این کشور با تصویب قوانین مشخص، مانند قانون حفاظت از داده‌های شخصی و بهره‌گیری از سازوکارهای اتحادیه اروپا، به‌ویژه مقررات GDPR، توازن میان حریم خصوصی و الزامات عمومی ایجاد کرده است (Arzeni, Rousseau, Veltz, & Verdier, 2008: 45). در مقابل، با وجود ظرفیت‌های فقهی و قانونی، نظام حقوقی ایران به دلیل نبود قانون جامع، تعارض میان اصول اسلامی، امنیتی و قانونی، و نیز فقدان تعریف واحد، نتوانسته است حمایت کیفری مؤثری از حریم خصوصی ارائه دهد (Fathi & Salmani, 2018: 11). همچنین، حدود ورود مشروع نهادهای دولتی و نهادهایی چون امر به معروف و نهی از منکر به حریم خصوصی شهروندان از چالش‌های مهم محسوب می‌شود (Norouzi, 2016: 91).

در چنین بستری و با توجه به تحولات پرشتاب فناوری و گسترش بی‌سابقه ارتباطات دیجیتال، مرزهای سنتی میان عرصه عمومی و حریم خصوصی دستخوش دگرگونی‌های عمیقی شده است. حریم خصوصی دیگر نه فقط یک حق فردی، بلکه سنگ بنای کرامت انسانی، امنیت روانی و نظم اجتماعی در جوامع مدرن محسوب می‌شود. با گسترش تهدیدهای نوپدید در فضای سایبر و پیچیده‌تر شدن ابزارهای

نقض حریم خصوصی، ضرورت بازتعریف و حمایت مؤثرتر از این حق بنیادین، به‌ویژه در بُعد کیفری آن، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

اما پیش از پرداختن به راهکارهای تقنینی و سیاست‌های کیفری، تبیین دقیق مفهوم حریم خصوصی، نخستین گام ضروری در این مسیر است؛ گامی که بدون آن، هرگونه سیاست‌گذاری حقوقی با ابهام و نارسایی همراه خواهد بود.

حریم خصوصی از مفاهیم نوپدید در ادبیات حقوقی است که هنوز تعریف جامع و واحدی برای آن ارائه نشده است. برخلاف بسیاری از مفاهیم سنتی در حقوق کیفری ایران، این اصطلاح به‌طور صریح در منابع فقهی مطرح نشده، اما مفاهیمی همچون حرمت تجسس (حجرات: ۱۲)، قاعده لاضرر و لزوم ستر در فقه اسلامی، شباهت مفهومی نزدیکی با آن دارد (Rostami, 2016: 11). بنابراین، گرچه واژه‌ای جدید است، اما ریشه‌هایی از آن در فقه اسلامی یافت می‌شود.

حریم خصوصی مفهومی چندوجهی است که از منظر مختلف - حقوقی، فقهی و فلسفی - تعاریف متفاوتی دارد. از منظر حقوقی، حریم خصوصی به‌عنوان حقی بنیادین شناخته می‌شود که به افراد اجازه می‌دهد کنترل اطلاعات شخصی، فضای خصوصی و تصمیم‌گیری‌های فردی خود را داشته باشند. در نظام‌های حقوقی مدرن، مانند اسناد بین‌المللی حقوق بشر (ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی)، حریم خصوصی شامل حفاظت از زندگی شخصی، خانوادگی، مسکن، مکاتبات و جلوگیری از دخالت‌های غیرقانونی در این حوزه‌ها است. در حقوق ایران، قانون اساسی (اصول ۲۲ و ۲۵) به‌صراحت از مصونیت حیثیت، جان، مال و مسکن افراد حمایت می‌کند و هرگونه تجسس، شنود یا افشای اطلاعات شخصی را جز در موارد قانونی ممنوع می‌داند. قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ نیز با جرم‌انگاری دسترسی غیرمجاز به داده‌های شخصی، این مفهوم را در فضای دیجیتال گسترش داده است. با این حال، در عمل، تناقض‌هایی بین قوانین نظارتی (مانند طرح صیانت یا قانون حجاب و عفاف) و این حق ایجاد شده که حریم خصوصی را در برابر نظارت دولتی آسیب‌پذیر می‌کند (Malekabadi, 2024: 65).

در حقوق ایران، تنها تعریف نسبتاً روشنی که از حریم خصوصی ارائه شده، در بند «پ» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۹۳ آمده است. مطابق آن، حریم خصوصی «قلمروی از زندگی شخصی» است که فرد انتظار دارد بدون رضایتش کسی به آن وارد نشود، نظارتی صورت نگیرد یا اطلاعاتش در دسترس نباشد. با اینکه این تعریف گامی در جهت شناسایی قانونی این حق محسوب می‌شود، به دلیل کلی‌گویی و نبود مصادیق مشخص، در عمل با ابهاماتی روبه‌رو است (Zabihi & Nadim, 2021: 6).

در مقابل، نظام حقوقی فرانسه تعریفی صریح‌تر از حریم خصوصی دارد. ماده ۹ قانون مدنی فرانسه

مصوب ۱۹۷۰ اعلام می‌کند: «هرکس حق دارد که به حریم زندگی خصوصی‌اش احترام گذاشته شود». این ماده حمایت مدنی از حریم خصوصی را تثبیت کرده، ضمانت اجرایی آن را در قالب جبران خسارت یا صدور دستور منع مقرر می‌سازد. حمایت کیفری نیز در مواد ۲۲۶-۱ تا ۲۲۶-۷ قانون جزای فرانسه پیش‌بینی شده است و مواردی مانند ورود غیرمجاز، استراق سمع، افشای اطلاعات و انتشار تصاویر خصوصی بدون رضایت، مشمول مجازات‌هایی چون حبس و جریمه نقدی می‌شوند (Menais, Marcoux, & des Courtis, 2019: 12-13).

پیر کایزر، یکی از نظریه‌پردازان برجسته فرانسوی، حریم خصوصی را چنین تعریف می‌کند: «بخشی از زندگی فردی که شخص از افشا یا مداخله دیگران در آن ناراضی است و به‌طور معقول انتظار محرمانگی دارد» (Kayser, 1985: 45). این تعریف بر دو عنصر کلیدی استوار است: نخست، «انتظار منطقی فرد برای محرمانه ماندن» و دوم، «ضرورت رضایت برای دسترسی به این حوزه».

در عین حال، حقوق فرانسه برخی استثنایا بر حریم خصوصی را نیز به رسمیت شناخته است. طبق قوانین مرتبط با مبارزه با تروریسم و امنیت داخلی، در شرایطی چون تهدید امنیت ملی یا خطر قریب‌الوقوع، امکان ورود محدود به حریم خصوصی با مجوز قانونی و تحت نظارت قضایی فراهم است. این موارد در قانون امنیت داخلی فرانسه (از جمله مواد L.821-1 به بعد) ذکر شده و تحت نظارت نهادهایی نظیر CNIL قرار گرفته است (Arzeni, Rousseau, Veltz, & Verdier, 2008: 31).

در مقایسه تطبیقی، تعریف فرانسه به دلیل شفافیت، جامعیت و پشتیبانی قانونی و نظارتی، ساختارمندتر از تعریف ایران است که به دلیل فقدان شاخص‌های عینی و مصادیق روشن، با چالش‌های جدی، به‌ویژه در برابر فناوری‌های نوین، مواجه است و نیازمند بازنگری است. شورای اروپا نیز در تعریف گسترده خود، مفاهیمی چون «زندگی خانوادگی، مسکن، تمامیت جسمی و روحی، آبرو و حیثیت» را از مصادیق حریم خصوصی برمی‌شمارد.

در یک تقسیم‌بندی رایج، اقسام حریم خصوصی عبارت‌اند از:

۱- حریم خصوصی جسمانی، ناظر بر محافظت از حریم فیزیکی افراد است. ورود بدون اجازه به منزل، بازرسی بدنی، نصب دوربین مخفی یا رعایت فاصله شخصی از جمله مصادیق آن است. در فرانسه، ورود غیرمجاز حتی از سوی مأموران نیازمند الزامات قانونی است. در ایران نیز اصل ۲۲ قانون اساسی به حمایت از حیثیت، جان و مسکن افراد پرداخته است (Dorghahi, 2015: 88).

۲- حریم خصوصی اطلاعاتی، شامل اطلاعات هویتی، سوابق پزشکی، مالی، تصاویر شخصی و داده‌های جغرافیایی می‌شود و اهمیت آن با گسترش فناوری بیشتر شده است. مقررات GDPR در فرانسه و قانون جرایم رایانه‌ای ۱۳۸۸ در ایران بخشی از این حوزه را پوشش می‌دهند (Khodabakhshi, Haftshajani, Sadeghi, Rahnema & Khodabakhshi, 2014: 5).

۳- حریم خصوصی ارتباطی، شامل مکاتبات، تماس‌های تلفنی و پیام‌هاست که در فرانسه استراق سمع آن جرم‌انگاری شده و در ایران اصل ۲۵ قانون اساسی آن را بدون حکم قضایی ممنوع می‌داند.

۴- حریم خصوصی فضایی، به مکان‌هایی چون خانه، محل کار یا حساب‌های کاربری دیجیتال مربوط است و ورود بدون رضایت به آنها جرم تلقی می‌شود. در ایران نیز ماده ۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری بر این موضوع تأکید دارد.

از منظر فقهی، حریم خصوصی در فقه اسلامی ریشه در احکام شرعی دارد، مانند حرمت تجسس (حجرات: ۱۲) و حفظ عرض و آبروی افراد. فقها حریم خصوصی را در قالب «حرمت حریم» تعریف می‌کنند که شامل حفظ اسرار، حیثیت و فضای شخصی مانند خانه یا روابط خانوادگی است. در فقه شیعه، اصل «سد ذرایع» و «امر به معروف و نهی از منکر» گاه با حریم خصوصی در تعارض قرار می‌گیرد، به‌ویژه در موضوعاتی مانند حجاب اجباری یا نظارت بر رفتارهای اجتماعی. برخی فقها، مانند آیت‌الله مکارم شیرازی، معتقدند حریم خصوصی تا جایی محترم است که با احکام شرعی یا مصالح عمومی مغایرت نداشته باشد، درحالی که دیگران بر اولویت حفظ کرامت انسانی و محدودیت تجسس تأکید دارند (Meshkati & Mousavi, 2024: 122).

از منظر فلسفی نیز حریم خصوصی شرطی برای خودمختاری و کرامت انسانی است. فیلسوفانی چون جان استوارت میل بر آزادی فردی در برابر مداخلات خارجی تأکید دارند و حریم خصوصی را فضایی برای رشد فردیت می‌دانند، درحالی که امانوئل کانت آن را از لوازم کرامت ذاتی انسان برمی‌شمرد. متفکرانی مانند هانا آرنت نیز آن را عرصه‌ای برای تأمل و خودسازی می‌پندارند که از حوزه عمومی متمایز ولی با آن در تعامل است. در عصر دیجیتال و نظارت فراگیر، مرز میان این دو حوزه تضعیف شده و بازنگری در حمایت کیفری از حریم خصوصی ضرورتی انکارناپذیر یافته است.

در نهایت، نگارندگان پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی حمایت کیفری از حریم خصوصی در ایران و فرانسه، تلاش دارند با تحلیل مبانی نظری، ساختارهای قانونی، رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی، پاسخی علمی به این پرسش ارائه دهند که چگونه می‌توان نظام کیفری ایران را در این زمینه اصلاح و تقویت کرد. در این راستا، ابتدا مفاهیم و مبانی نظری بررسی شده، سپس قوانین و رویه‌های دو کشور تحلیل می‌شود و در نهایت، راهکارهایی برای بهبود نظام کیفری ایران پیشنهاد خواهد شد.

حریم خصوصی، از حقوق اساسی بشر است که نقض آن می‌تواند کرامت انسانی، امنیت روانی، آزادی فردی و انسجام اجتماعی را تهدید کند (Fathi & Salmani, 2018: 5). در دهه‌های اخیر و با گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و فضای مجازی، این حق بیش از پیش در معرض تهدید قرار گرفته است (Rostami, Ghamami & Salimi, 2022: 239). ابزارهای ارتباطی جدید، با وجود تسهیل ارتباطات، زمینه‌ساز نقض‌های مکرر و پیچیده حریم خصوصی شده‌اند.

در این شرایط، حمایت کیفری از حریم خصوصی نقشی کلیدی در صیانت از حقوق شهروندی دارد، اما همچنان پرسش‌هایی اساسی در خصوص حدود، دلایل و شرایط این حمایت مطرح است. یکی از چالش‌های اصلی، نبود تعریف جامع و مشخص از «حریم خصوصی» در نظام حقوقی ایران است. پراکندگی و ابهام قوانین مرتبط و فقدان تطبیق با مقتضیات فناوری‌های نوین، وضعیت را پیچیده‌تر کرده است.

نقض حریم خصوصی می‌تواند از سوی اشخاص، نهادهای دولتی یا سازوکارهای اطلاعاتی و اقتصادی رخ دهد. از این رو، حمایت کیفری باید هم در برابر سوءاستفاده‌های فردی و نهادی، و هم در راستای حفظ امنیت ملی و حقوق عمومی طراحی شود. به همین دلیل، طراحی قواعد دقیق و منسجم برای جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی ضروری است.

در نظام حقوقی فرانسه، با تکیه بر اصول حقوق طبیعی و قوانین عرفی، حریم خصوصی به‌صورت کیفری مورد حمایت قرار گرفته است. این کشور با تصویب قوانین مشخص، مانند قانون حفاظت از داده‌های شخصی و بهره‌گیری از سازوکارهای اتحادیه اروپا، به‌ویژه مقررات GDPR، توازن میان حریم خصوصی و الزامات عمومی ایجاد کرده است (Arzeni, Rousseau, Veltz, & Verdier, 2008: 45). در مقابل، با وجود ظرفیت‌های فقهی و قانونی، نظام حقوقی ایران به دلیل نبود قانون جامع، تعارض میان اصول اسلامی، امنیتی و قانونی، و نیز فقدان تعریف واحد، نتوانسته است حمایت کیفری مؤثری از حریم خصوصی ارائه دهد (Fathi & Salmani, 2018: 11). همچنین، حدود ورود مشروع نهادهای دولتی و نهادهایی چون امر به معروف و نهی از منکر به حریم خصوصی شهروندان، از چالش‌های مهم محسوب می‌شود (Norouzi, 2016: 91).

نگارندگان پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی حمایت کیفری از حریم خصوصی در ایران و فرانسه، تلاش دارند با تحلیل مبانی نظری، ساختارهای قانونی، رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی، پاسخی علمی به این پرسش ارائه دهند که چگونه می‌توان نظام کیفری ایران را در این زمینه اصلاح و تقویت کرد. در این راستا، ابتدا مفاهیم و مبانی نظری بررسی شده، سپس قوانین و رویه‌های دو کشور تحلیل می‌گردد و در نهایت، راهکارهایی برای بهبود نظام کیفری ایران پیشنهاد می‌شود.

۲. مبانی نظری حمایت کیفری از حریم خصوصی

حمایت از حریم خصوصی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه بر پایه مبانی نظری متفاوتی استوار بوده، متأثر از ساختار ارزشی، دینی، تاریخی و فلسفی هر نظام است.

۱.۲. مبانی حمایت از حریم خصوصی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، حمایت کیفری از حریم خصوصی بر مجموعه‌ای از مبانی فقهی، قانونی، امنیتی، اجتماعی و فناورانه استوار است که هریک به‌گونه‌ای در شناسایی، تبیین و تقویت جایگاه این حق بنیادین نقش ایفا می‌کنند. در ادامه، مهم‌ترین مبانی به‌صورت دقیق و تحلیلی بررسی می‌شوند:

۱.۱.۲. مبانی فقهی و شرعی

آموزه‌های اسلامی به‌روشنی بر لزوم رعایت حریم خصوصی افراد تأکید دارند. آیاتی نظیر «وَلَا تَجَسَّسُوا» (حجرات: ۱۲) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (نور: ۲۷) که ورود به منازل را منوط به کسب اجازه از صاحب‌خانه می‌دانند، مبانی صریحی برای ممنوعیت تجسس و رعایت مرزهای خصوصی در شریعت اسلام فراهم می‌سازند. همچنین، قواعد فقهی مانند قاعده «لا ضرر و لا ضرار» مؤید آن است که هیچ‌کس مجاز به ورود به حوزه خصوصی دیگری به‌گونه‌ای که موجب ضرر و تعرض به او شود، نیست. این مفاهیم، اگرچه به‌طور مستقیم از اصطلاح «حریم خصوصی» استفاده نمی‌کنند، اما به لحاظ ماهوی بنیان‌های محکمی برای حمایت از این حق در فقه اسلامی به‌شمار می‌آیند و پشتوانه مهمی برای جرم‌انگاری نقض آن در حقوق کیفری محسوب می‌شوند (Fathi & Salmani, 2018: 59) از این منظر، فقه اسلامی دارای ظرفیت قابل توجهی برای حمایت کیفری از حریم خصوصی در نظام حقوقی ایران است.

۲.۱.۲. مبانی حقوقی و قانونی

در نظام تقنینی ایران، اصول متعددی از قانون اساسی و قوانین عادی به حمایت از حریم خصوصی اختصاص یافته‌اند. اصل ۲۲ قانون اساسی بر مصونیت جان، مال، حیثیت، مسکن و شغل افراد از تعرض تأکید دارد، و اصل ۲۵ هرگونه شنود، بازرسی و نظارت بر مکاتبات را بدون مجوز قانونی ممنوع می‌داند. علاوه بر این، در مواد متعددی از قانون مجازات اسلامی (مانند ماده ۵۸۰) و قانون جرایم رایانه‌ای، ورود غیرقانونی به حوزه‌های شخصی افراد، دسترسی غیرمجاز به داده‌ها، افشای اطلاعات محرمانه و سایر مصادیق نقض حریم خصوصی مستوجب مجازات کیفری است. به این ترتیب، مبانی حقوقی حمایت کیفری از حریم خصوصی در قوانین موضوعه به‌وضوح وجود داشته، قابلیت استناد قضایی دارد (Rostami, 2016: 24; Khodabakhshi Haftshajani, Sadeghi, Rahnema & Khodabakhshi, 2014: 5). این مجموعه نشان می‌دهد که نظام حقوقی ایران، با بهره‌گیری از ابزارهای کیفری، حریم خصوصی را به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان مورد حمایت قرار داده است.

۳.۱.۲. مصلحت عمومی و امنیت ملی

دولت در مواردی که حفظ امنیت ملی، نظم عمومی یا منافع عالی کشور اقتضا نماید، می‌تواند در چارچوب قوانین و با رعایت اصول نظارتی و قضایی، وارد حوزه حریم خصوصی افراد شود. این مداخله‌ها در مواردی همچون پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته یا تهدیدات تروریستی، در صورت صدور مجوز قضایی معتبر، مشروع تلقی می‌شود. با این حال، این گونه مداخلات، مشروط به رعایت اصل تناسب و تفسیر مضیق بوده، باید در چارچوب دقیق قانونی تعریف شوند تا از خطر سوءاستفاده از اختیارات حاکمیتی جلوگیری گردد (Zabihi & Nadim, 2021: 6). با این حال، همین امکان مداخله مشروط دولت، ضرورت حمایت کیفری از حریم خصوصی را در برابر هرگونه ورود غیرقانونی یا فاقد مجوز قضایی برجسته می‌سازد؛ زیرا تخطی از این چارچوب‌ها، نقض حقوق فردی تلقی شده، نیازمند پاسخ کیفری مناسب خواهد بود.

۴.۱.۲. پیشگیری از جرم و حفظ امنیت روانی جامعه

نقض حریم خصوصی می‌تواند تبعات جدی روانی، اجتماعی و امنیتی برای فرد و جامعه به‌دنبال داشته باشد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، افشای اسرار شخصی، انتشار تصاویر خصوصی یا شنود غیرمجاز ارتباطات، ممکن است موجب انگ‌زدن، بی‌اعتمادی اجتماعی و در مواردی حتی سوق دادن فرد به سمت بزهکاری شود. نظریه‌هایی مانند «برچسب‌زنی اجتماعی»^۱ بر این نکته تأکید دارند که وقتی افراد در معرض افشای غیرقانونی یا قضاوت‌های اجتماعی منفی قرار گیرند، این شرایط می‌تواند زمینه‌ساز درونی‌سازی هویت مجرمانه و ارتکاب رفتارهای بزهکارانه شود (Fathi & Salmani, 2018: 14; Norouzi, 2016: 7).

با این وصف، نقض حریم خصوصی صرفاً یک کنش فردی علیه فرد دیگر نیست، بلکه به‌مثابه عاملی برای اخلال در نظم اجتماعی و تضعیف اعتماد عمومی عمل می‌کند. بنابراین، رویکرد کیفری نسبت به تعرض به حریم خصوصی، نه‌تنها جنبه پاسخ‌دهی به یک آسیب شخصی دارد، بلکه ابزاری برای پیشگیری از بروز و گسترش جرم و تضمین سلامت روانی و اجتماعی جامعه نیز محسوب می‌شود.

۵.۱.۲. تحول فناوری و پاسخ به تهدیدهای نوین دیجیتالی

رشد روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات، ظهور ابزارهای نظارتی پیشرفته و توسعه فضای سایبری، چالش‌های جدیدی را در زمینه نقض حریم خصوصی ایجاد کرده است. در واکنش به این تحولات،

قانون‌گذار ایرانی با تصویب قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸) و اصلاحات بعدی، تلاش کرده است با جرم‌انگاری دسترسی غیرمجاز به داده‌های دیجیتال، جاسوسی رایانه‌ای، شنود اطلاعاتی و افشای اطلاعات خصوصی، به صورت هدفمند و متناسب با مقتضیات فناوری، از حریم خصوصی افراد در فضای مجازی حمایت کند (Khodabakhshi Haftshajani, Sadeghi, Rahnema & Khodabakhshi, 2016: 27; Rostami, 2014: 5). این رویکرد، بیانگر ضرورت پویایی قانون‌گذاری در مواجهه با تحولات فناورانه و تقویت ابزارهای حمایت کیفری در بستر دیجیتال است.

بنابراین، مبانی حمایت کیفری از حریم خصوصی در حقوق ایران، تلفیقی از اصول شرعی، قواعد قانونی، الزامات امنیتی، مقتضیات اجتماعی و چالش‌های نوین فناورانه است. این مبانی در مجموع، چارچوبی نسبتاً منسجم برای شناسایی، حمایت و جرم‌انگاری تعرض به حریم خصوصی فراهم می‌سازند؛ هرچند در حوزه اجرا، نیازمند تفسیرهای منضبط، نظارت مؤثر و به‌روزرسانی مداوم متناسب با تحولات اجتماعی و تکنولوژیک هستند.

۲.۲. مبانی حمایت از حریم خصوصی در حقوق فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، حمایت از حریم خصوصی بر پایه مجموعه‌ای از نظریات حقوقی و فلسفی ازجمله نظریه حقوق فطری، نظریه قرارداد اجتماعی و نظریه پدرسالاری دولت شکل گرفته است. هر کدام از این مبانی نظری، به شیوه‌ای خاص، توجیه‌گر حمایت کیفری از حریم خصوصی در این کشور هستند:

۲.۲.۱. نظریه حقوق فطری

نظریه حقوق فطری ازجمله مهم‌ترین بنیان‌های نظری حمایت کیفری از حریم خصوصی در فرانسه محسوب می‌شود. این نظریه بر این باور است که حقوقی همچون حریم خصوصی از ذات و فطرت انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و به دلیل پیوند با کرامت انسانی، غیرقابل سلب و تغییر است؛ از این رو، قانون‌گذار فرانسوی با توجه به ماهیت ذاتی و بنیادین حریم خصوصی، حمایت کیفری را ضروری دانسته است؛ زیرا هرگونه نقض حریم خصوصی افراد را تعرض به کرامت ذاتی آن‌ها قلمداد می‌کند و به همین دلیل جرم‌انگاری چنین رفتارهایی را برای حفظ این حقوق فطری لازم می‌داند.

در پرتو این نگرش، قانون‌گذار فرانسوی حمایت کیفری از حریم خصوصی را نه به‌عنوان یک ابزار صرف برای حفظ نظم عمومی، بلکه به‌مثابه پاسخی ضروری به نقض یکی از حقوق بنیادین بشری تلقی کرده است. بنابراین، نظریه حقوق فطری با تأکید بر اصالت و تقدم کرامت انسانی، بنیانی فلسفی و اخلاقی برای جرم‌انگاری تعرض به حریم خصوصی فراهم می‌سازد؛ بنیانی که نشان می‌دهد حقوق-

کیفری در فرانسه تنها تابع ملاحظات کارکردگرایانه نیست، بلکه به اصول متعالی انسانی نیز وفادار باقی مانده است (Fazeli, Arzhang, & Zakikhani, 2015: 62).

۲.۲.۲. نظریه قرارداد اجتماعی

طبق نظریه قرارداد اجتماعی که از سوی فیلسوفانی نظیر ژان ژاک روسو تبیین شده است، دولت، از توافق جمعی و رضایت شهروندان برای حفظ امنیت و نظم عمومی ناشی می‌شود. بر این اساس، شهروندان بخشی از آزادی‌های شخصی خود را به دولت واگذار می‌کنند و در مقابل از آن انتظار دارند تا از حقوق بنیادین آنان، از جمله حق حریم خصوصی، محافظت نماید. حمایت کیفری از حریم خصوصی در فرانسه را می‌توان تجلی این قرارداد اجتماعی دانست؛ زیرا دولت با وضع قوانین کیفری و ضمانت اجرای دقیق، تعهد خود را به حفظ نظم اجتماعی و پاسداری از حقوق اساسی شهروندان عملی می‌سازد. در نتیجه، هرگونه نقض حریم خصوصی نه تنها تخطی از قانون، بلکه نقض پیمان اجتماعی میان دولت و شهروندان محسوب می‌شود (Amiri-Parian & Keshishian Sirki, 2020: 43).

از این منظر، نظام کیفری فرانسه با تکیه بر آموزه‌های نظریه قرارداد اجتماعی، نه تنها مشروعیت خود را از رضایت عمومی می‌گیرد، بلکه خود را موظف می‌داند که در برابر هرگونه تعرض به حریم خصوصی، پاسخی قاطع، متناسب و مبتنی بر عدالت ارائه دهد؛ امری که نشان می‌دهد رابطه دولت و شهروندان، صرفاً حقوقی نیست، بلکه حامل بار اخلاقی و تعهد متقابل نیز هست.

۳.۲.۲. نظریه پدرسالاری دولت

نظریه پدرسالاری دولت، بر نقش مراقبتی و حمایتی دولت از شهروندان خود تأکید دارد و دولت را به عنوان نهادی مسئول در جهت تأمین رفاه و امنیت شهروندان معرفی می‌کند. از این منظر، دولت مانند پدری دلسوز است که وظیفه دارد مصالح عمومی و فردی افراد جامعه را مدنظر قرار دهد و در موارد ضروری برای آنان تصمیم‌گیری کند. در حقوق فرانسه، حمایت کیفری از حریم خصوصی در راستای این نقش حمایتی دولت انجام می‌شود؛ بدین معنا که دولت از طریق جرم‌انگاری نقض حریم خصوصی و اجرای مجازات‌های بازدارنده، محیطی امن را برای رشد فردی و اجتماعی افراد فراهم می‌کند؛ بنابراین، حریم خصوصی به عنوان بخشی از مصالح ضروری جامعه و افراد تحت حمایت ویژه دولت قرار می‌گیرد (Yazdian Jafari & Kheyrmand, 2015: 89).

بنابراین، نظام حقوقی فرانسه با تکیه بر این سه مبنای نظری، حمایت کیفری قوی و منسجمی را از حریم خصوصی ایجاد کرده است که در قوانین و مقررات مختلف، از جمله ماده ۹ قانون مدنی فرانسه،

ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR)، تجلی یافته است. این حمایت‌ها زمینه‌ساز حفظ کرامت انسانی، استقرار نظم اجتماعی و تقویت اعتماد متقابل میان دولت و شهروندان شده است.

۳. چارچوب حمایت کیفری از حریم خصوصی در حقوق ایران و فرانسه

با گسترش تهدیدهای فزاینده نسبت به حریم خصوصی در عصر داده‌محور، نقش حقوق کیفری در حفاظت از این حق بنیادین بشر بیش از پیش برجسته شده است. در پاسخ به پیچیدگی‌های روزافزون نقض حریم خصوصی، نظام‌های حقوقی مختلف تلاش کرده‌اند با ترسیم چارچوب‌های دقیق و مؤثر کیفری، از تعرض‌های فردی و نهادی به این حیطه صیانت کنند. در این میان، بررسی تطبیقی میان نظام حقوقی ایران و فرانسه - که اولی مبتنی بر مبانی فقهی و دومی متأثر از سنت لیبرال حقوق بشر است - می‌تواند زمینه‌ای را برای شناخت عمیق‌تر تفاوت‌ها و اشتراکات در شیوه مواجهه با پدیده نقض حریم خصوصی فراهم آورد. تحلیل ساختارهای تقنینی، مصادیق جرم‌انگاری، اصول حاکم بر مداخله کیفری دو کشور، می‌تواند چشم‌اندازی از کارآمدی یا ناکارآمدی چارچوب‌های حمایتی موجود ارائه دهد و راه را برای اصلاحات ضروری در حقوق داخلی هموار سازد.

۱.۳. حمایت کیفری از حریم خصوصی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران، حمایت کیفری از حریم خصوصی در قوانین مختلفی ارائه شده که به دلیل پراکندگی، فاقد انسجام لازم است. نخستین سند بنیادین در این زمینه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که اصول ۲۰، ۲۲، ۲۳ و ۲۵ آن به صراحت بر حمایت از حریم خصوصی شهروندان تأکید دارد. برای مثال، اصل ۲۲ مقرر می‌دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند». همچنین، اصل ۲۵ قانون اساسی هرگونه شنود و افشای مکاتبات بدون مجوز قانونی را ممنوع اعلام می‌کند.

در سطح قوانین عادی، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، ازجمله اسناد مهم در این حوزه است. ماده ۶۴۱ این قانون، افشای اسرار خصوصی اشخاص از طریق نامه یا تصویر را جرم‌انگاری کرده و برای آن مجازات در نظر گرفته است. ماده ۶۹۴ نیز به موضوع ورود غیرمجاز به منازل و اماکن اختصاص دارد. همچنین، ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) نیز برخی از مصادیق افشای محتوای خلاف عفت عمومی را شامل حمایت از حریم خصوصی تلقی می‌کند. در کنار آن، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نقشی کلیدی در حوزه حریم خصوصی در فضای مجازی ایفا کرده است. در مواد ۱ تا ۱۸ این

قانون، رفتارهای متعددی مانند دسترسی غیرمجاز به داده‌های رایانه‌ای (ماده ۱)، شنود غیرمجاز (ماده ۲)، جاسوسی رایانه‌ای (ماده ۳)، جعل و تخریب داده‌ها و سیستم‌ها (مواد ۶ تا ۱۲) و انتشار محتوای خصوصی یا تصاویر دیگران بدون رضایت آن‌ها (ماده ۱۷) جرم‌انگاری شده است.

در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نیز محدودیت‌هایی برای تفتیش، بازرسی و ضبط داده‌ها تعیین شده است؛ به‌ویژه در مواد ۱۰۴ و ۱۵۰ این قانون، بازبینی اطلاعات شخصی فقط با دستور مقام قضایی مجاز دانسته شده است. همچنین، اصل محرمانه بودن مکالمات در روند دادرسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

تنها تعریف قانونی از حریم خصوصی در بند «پ» ماده یک آیین‌نامه اجرایی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات (مصوب ۱۳۹۳) آمده است که آن را بخشی از زندگی فردی می‌داند که از دخالت دیگران مصون است. اما این تعریف نیز به دلیل کلی بودن و فقدان انطباق با مصادیق نوظهور دیجیتال، انتقادهایی را برانگیخته است.

از دیگر چالش‌های مهم، فقدان قانون جامع در این زمینه و نیز تعارض‌های میان ملاحظات فقهی و امنیتی با حقوق شهروندی است. نهادهایی همچون ضابطان قضایی، نیروهای امنیتی و مجریان امر به معروف، گاه بدون نظارت قضایی روشن به حریم خصوصی شهروندان وارد می‌شوند که موجب کاهش اعتماد عمومی و تضییع حقوق بنیادین افراد شده است.

از منظر عملی و بررسی مصادیق عینی نیز در یکی از برجسته‌ترین موارد نقض حریم خصوصی در سال‌های اخیر، در حوزه پزشکی، انتشار تصاویر و اطلاعات بیماران در صفحات اینستاگرامی پزشکان و کلینیک‌ها در مهر ۱۴۰۴، منجر به مسدودسازی ۳۳۳ صفحه شد. این نقض، حریم اطلاعاتی بیماران را در معرض سوءاستفاده قرار داد و از منظر کیفری، مصداق ماده ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی (انتشار اسرار پزشکی) است، اما ضعف نظارت بر شبکه‌های اجتماعی، جبران خسارت روانی و اجتماعی قربانیان را دشوار می‌سازد و نشان‌دهنده خلأ قانونی در حفاظت از داده‌های حساس است (Asr Iran, 2024a). همچنین، پرونده انتشار فیلم‌های خصوصی در گیلان در سال ۱۳۹۶ که منجر به دستگیری عاملان آن شد، الگویی تکراری از نقض حریم در فضای مجازی است. ضابطان دادگستری با انتشار تصاویر خصوصی شهروندان، نه تنها جرم سایبری مرتکب شدند، بلکه اعتماد به فرایند قضایی را نیز زیر سؤال بردند، و تحلیل آن حاکی از نیاز به آموزش اخلاقی مأموران و تشدید مجازات برای جلوگیری از تبدیل ابزارهای قانونی به وسایل سرکوب خصوصی است (Alef News, 2023). در نهایت، پرونده هک تلگرام از سوی یک نوجوان ۱۶ ساله در مهر ۱۴۰۲ که ۸۰ حساب را در تهران هدف قرار داد، مصداق نقض فردی حریم خصوصی است (Mashregh News, 2023). این هک برای فروش نرم‌افزارهای جاسوسی انجام شد و به کلاهبرداری و اخاذی منجر گردید که از دیدگاه کیفری، بر اساس ماده ۱ قانون جرایم

رایانه‌ای، حبس تا ۵ سال را در پی دارد، اما ریشه آن در دسترسی آسان به ابزارهای هک و ضعف آگاهی سایبری جامعه نهفته است، و تحلیل اجتماعی آن بر لزوم سرمایه‌گذاری در آموزش دیجیتال و قوانین سخت‌گیرانه‌تر تأکید دارد تا از تبدیل شهروندان عادی به قربانیان زنجیره‌ای جلوگیری شود. این مصادیق، همگی بر ضعف ساختاری در قوانین ایران مانند نبود قانون جامع حفاظت داده‌ها دلالت دارد؛ جایی که نقض حریم خصوصی از دولتی تا فردی، نه تنها جرایم کیفری را افزایش می‌دهد، بلکه انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و نیاز به تعادل بین امنیت عمومی و حقوق فردی را برجسته می‌سازد.

۲.۳. حمایت کیفری از حریم خصوصی در حقوق فرانسه

نظام حقوقی فرانسه از قدیم در حمایت از حقوق بشر و حریم خصوصی پیش‌گام بوده است. چارچوب حمایتی فرانسه به دلیل دقت و انسجام، نمونه‌ای موفق در حمایت کیفری از حریم خصوصی به‌شمار می‌رود. ماده ۹ قانون مدنی فرانسه به‌طور مستقیم و واضح حریم خصوصی را به رسمیت شناخته و نقض آن را جرم‌انگاری کرده است. مطابق این ماده، هرگونه ورود غیرقانونی به زندگی خصوصی افراد یا انتشار اطلاعات شخصی آن‌ها بدون رضایت صریح، جرم محسوب شده، مسئولیت کیفری و مدنی را به دنبال خواهد داشت.

قوانین کیفری فرانسه نیز ضمانت اجرای سنگینی برای نقض حریم خصوصی در نظر گرفته‌اند. ماده ۲۲۶ قانون جزای فرانسه به‌طور خاص نقض حریم خصوصی را تعریف کرده، برای آن مجازات‌هایی از قبیل حبس تا یک سال و جریمه‌های مالی پیش‌بینی نموده است. همچنین، فرانسه از نخستین کشورهای عضو اتحادیه اروپاست که مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR) مصوب ۲۰۱۸ را اجرا کرده است. بر اساس این مقررات، سازمان‌ها و شرکت‌ها ملزم به رعایت دقیق اصولی در جمع‌آوری، نگهداری و پردازش داده‌های شخصی شهروندان هستند و تخلف از این اصول، با جریمه‌های سنگینی مواجه می‌شود.

نهادهای نظارتی مستقل، مانند کمیسیون ملی اطلاعات و آزادی‌های مدنی فرانسه (CNIL)، نقشی اساسی در اجرای قوانین مربوط به حفاظت از داده‌ها ایفا می‌کنند. این نهاد قدرت اجرایی بالایی دارد و می‌تواند جریمه‌هایی تا سقف ۲۰ میلیون یورو یا ۴ درصد از درآمد جهانی سالانه شرکت‌ها را تعیین نماید. در فرانسه همچنین قوانین آیین دادرسی کیفری نیز حمایت دقیقی از حریم خصوصی افراد به‌عمل می‌آورد. تفتیش و بازرسی منزل و سایر اماکن شخصی صرفاً با حکم قضایی یا در موارد مشخص جرایم مشهود مجاز است و هرگونه افشای اطلاعات کسب‌شده از این بازرسی‌ها نیز تحت شرایط سخت‌گیرانه‌ای امکان‌پذیر است (Hashemzadegan & Gholami, 2021: 662).

در مقایسه با ایران، نظام حقوقی فرانسه توانسته است با تدوین قوانین شفاف و دقیق، ضمانت اجراهای متناسب و نظارت دقیق نهادهای مستقل، چارچوب مؤثرتری برای حمایت کیفری از حریم خصوصی ایجاد کند. در مقابل، ایران به دلیل نداشتن قوانین منسجم و تعریف دقیق از حریم خصوصی، هنوز با مشکلات و چالش‌های قابل توجهی مواجه است.

از نظر عینی و مصادیق واقعی نیز یکی از مصادیق برجسته نقض حریم خصوصی در فرانسه، پرونده جاسوسی و نظارت شرکت Amesys بر مخالفان رژیم قذافی در لیبی است که در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به اوج رسید. این شرکت فرانسوی، تجهیزات نظارت اینترنتی پیشرفته‌ای به دولت لیبی فروخت که برای ردیابی و سرکوب فعالان حقوق بشر، روزنامه‌نگاران و مخالفان سیاسی استفاده شد. دادگاه کیفری پاریس در سال ۲۰۱۲ پرونده‌ای جنایی علیه Amesys به اتهام همدستی در شکنجه و نقض حقوق بشر تشکیل داد، اما به دلیل پیچیدگی‌های دیپلماتیک و شواهد ناکافی، پرونده در مراحل اولیه متوقف شد. تحلیل این مورد نشان می‌دهد که چگونه فناوری‌های صادراتی فرانسه، بدون نظارت کافی، به ابزاری برای نقض گسترده حریم خصوصی تبدیل می‌شوند؛ این امر نه تنها حقوق افراد را در خارج از مرزها نقض کرد، بلکه اعتبار فرانسه را در زمینه حقوق بشر زیر سؤال برد و بحث‌هایی در مورد مسئولیت شرکت‌های فناوری در زنجیره تأمین جهانی برانگیخت؛ جایی که سود اقتصادی بر اصول اخلاقی غلبه می‌کند (FIDH, 2016: 24).

در پرونده دیگری با جنبه کیفری قوی‌تر، شرکت Jean Marc Philippe در سال ۲۰۰۹ به دلیل نصب سیستم دوربین مدار بسته (CCTV) دائمی برای نظارت بر کارکنانش، ۱۰ هزار یورو جریمه شد و مدیرعامل آن نیز به دلیل مخالفت با تحقیقات کمیسیون ملی اطلاعاتی و آزادی‌ها (CNIL) ۵ هزار یورو جریمه کیفری دریافت کرد. دادگاه کیفری پاریس این اقدام را نقض مستقیم ماده ۲۲۶-۱ قانون مجازات فرانسه دانست که ضبط و انتقال تصاویر بدون رضایت را جرم می‌شمارد (CNIL, 2009). تحلیل این پرونده بر اهمیت تعادل بین امنیت محل کار و حقوق کارکنان تأکید دارد؛ نظارت دائمی نه تنها اعتماد را از بین می‌برد، بلکه می‌تواند به استرس روانی و نقض آزادی فردی منجر شود، و نشان‌دهنده ضعف قوانین کار فرانسه در برابر پیشرفت فناوری‌های نظارتی است، جایی که کارفرمایان اغلب از مرزهای قانونی عبور می‌کنند بدون آنکه عواقب فوری را پیش‌بینی کنند. این رأی نشان‌دهنده جدیت قوانین اروپایی در حفاظت از داده‌های بیومتریک و قدرت نهادهای نظارتی مستقل است. با این حال، نظام حقوقی فرانسه با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌رو است؛ برای مثال، در پرونده‌ای مرتبط با مسئولیت پلتفرم، پاول دوروف، مؤسس تلگرام، در دادگاه پاریس به اتهام تسهیل فعالیت‌های غیرقانونی از طریق پلتفرم خود تحت بازجویی قرار گرفت (Asr Iran, 2024b).

پرونده وایرتپینگ و کلا و موکلان در تحقیقات مربوط به Buffalo Grill در اوایل دهه ۲۰۰۰، یکی

دیگر از نمونه‌های کیفری است که تا دادگاه حقوق بشر اروپا (ECHR) کشیده شد. در این مورد، مقامات قضایی فرانسه مکالمات تلفنی بین وکیل متهم و موکل را بدون رضایت ضبط و در دادگاه کیفری علیه وکیل استفاده کردند، که منجر به محکومیت او به نقض محرمانگی شد. ECHR در سال ۲۰۱۶ (Affaire Versini-Campinchi et Crasnianski c. France) رأی داد که این اقدام نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است؛ هرچند دادگاه‌های فرانسه آن را توجیه‌پذیر دانستند (Versini-Campinchi & Crasnianski 2016, para. 57). تحلیل این پرونده بر تنش بین نیاز به تحقیقات جنایی و حق محرمانگی حرفه‌ای وکلا تمرکز دارد؛ این امر نشان می‌دهد که ابزارهای نظارتی دولتی در فرانسه اغلب بیش از حد تهاجمی هستند و می‌توانند اعتماد عمومی به سیستم قضایی را تضعیف کنند، به‌ویژه زمانی که شواهد به‌دست آمده از راه‌های غیراخلاقی، عدالت را زیر سؤال می‌برند.

تحلیل تطبیقی پرونده‌ها و مصادیق واقعی در حقوق ایران و فرانسه، تصویری روشن از چالش‌های عملی و تفاوت‌های بنیادین در رویکردهای حقوقی به حریم خصوصی ارائه می‌دهد. در مورد ایران، پرونده‌ها- از افشای اسرار پزشکی گرفته تا هک و سوءاستفاده از اطلاعات خصوصی- همگی بر ضعف ساختاری در قوانین ایران مانند نبود قانون جامع حفاظت داده‌ها دلالت دارد؛ جایی که نقض حریم خصوصی از دولتی تا فردی، نه‌تنها جرایم کیفری را افزایش می‌دهد، بلکه انسجام اجتماعی را تهدید می‌کند و نیاز به تعادل بین امنیت عمومی و حقوق فردی را برجسته می‌سازد. رویکرد غالب در ایران، واکنشی و مبتنی بر جرم‌انگاری موردی است که فاقد قدرت بازدارندگی لازم برای پیشگیری از نقض‌های سیستماتیک است.

در مقابل، نظام حقوقی فرانسه نمونه‌ای از یک چارچوب ساختاری و پیشگیرانه را به نمایش می‌گذارد. پرونده Clearview AI و جریمه ۲۰ میلیون یورویی، نشان‌دهنده قدرت یک نهاد نظارتی مستقل (CNIL) و وجود قانون جامع (GDPR) است که بر حفاظت پیشگیرانه از داده‌ها تأکید دارد. این رویکرد، به جای تمرکز صرف بر مجازات پس از وقوع جرم، بر جلوگیری از جمع‌آوری غیرقانونی داده‌ها متمرکز است. با این حال، پرونده پاول دوروف نشان می‌دهد که حتی این نظام قدرتمند نیز در برابر چالش‌های ناشی از فعالیت پلتفرم‌های فرامرزی و تعریف مسئولیت آن‌ها با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو است.

بنابراین، مقایسه نهایی نشان می‌دهد که ضعف اصلی ایران در «فقدان ساختار قانونی منسجم» برای حفاظت پیشگیرانه از داده‌هاست، درحالی که چالش اصلی نظام حقوقی پیشرفته‌ای مانند فرانسه، در «نحوه اجرای قوانین در برابر بازیگران فرامرزی» و مسئولیت‌پذیر کردن پلتفرم‌های جهانی نهفته است.

۴. استثنای مجاز بر نقض حریم خصوصی در ایران و فرانسه

اگرچه اصل بر مصونیت حریم خصوصی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه است، اما در هر دو نظام، استثناهایی به موجب قانون پذیرفته شده که تحت شرایط خاص، نقض این حریم را مجاز می‌دارد. بررسی

این استثنایها، از جهت مبنای مشروعیت، دامنه، حدود و نظارت قضایی، تفاوتها و تشابهات قابل توجهی میان دو کشور را نمایان می‌سازد.

۱.۴. استثنای نقض حریم خصوصی در حقوق ایران

در حقوق ایران، هرچند اصل ۲۵ قانون اساسی هرگونه تجسس، استراق سمع و نظارت بر مکاتبات را بدون مجوز قانونی ممنوع می‌داند، اما در همان اصل و سایر قوانین، شرایط خاصی برای ورود مشروع به حریم خصوصی پیش‌بینی شده است (Rahmati & Shahriari, 2017: 245). مهم‌ترین این استثنایها به شرح زیر است:

۱.۱.۴. مصلحت عمومی و مصالح امنیتی

اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، هرگونه تجسس، استراق سمع، نظارت بر مکاتبات و بازرسی را ممنوع اعلام کرده است، مگر آنکه این اقدامات به موجب حکم قانون صورت پذیرد. مقصود از «حکم قانون» در این اصل، الزامی به صدور مجوز قضایی در تمام موارد نیست، اما در عمل، مهم‌ترین شکل اجرایی آن در قالب دستور مقام صالح قضایی متبلور می‌گردد.

در نظام حقوقی ایران، اصلی‌ترین مبنای قانونی برای ورود مشروع به حریم خصوصی اشخاص، ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ است. بر اساس این ماده، کنترل ارتباطات مخابراتی، تنها در صورتی مجاز است که موضوع با جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتبط بوده، یا ازجمله جرایم مهم مندرج در بندهای «الف» تا «ت» ماده ۳۰۲ همان قانون باشد. صدور دستور کنترل باید از سوی مقام قضایی و با موافقت رئیس کل دادگستری استان انجام گیرد و در موارد مرتبط با مقامات عالی‌رتبه، تأیید رئیس قوه قضاییه نیز الزامی است. مدت، موضوع، نوع ارتباطات و دفعات کنترل نیز باید در حکم قضایی مشخص شود.

در کنار این مقررات، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ نیز در مواد ۲ و ۴۸، شنود و دسترسی غیرمجاز به داده‌ها و سامانه‌های رایانه‌ای را جرم‌انگاری کرده است. این قانون تصریح می‌کند که دسترسی قانونی به اطلاعات شخصی باید بر اساس مقررات شنود مندرج در آیین دادرسی کیفری صورت پذیرد و خود به تنهایی مجوزی برای ورود به حریم خصوصی فراهم نمی‌آورد.

به این ترتیب، ورود نهادهای امنیتی یا انتظامی به حریم خصوصی افراد تنها در شرایطی توجیه‌پذیر است که تهدیدی جدی علیه امنیت ملی یا ارتکاب جرم سنگین مطرح باشد و این امر صرفاً با احراز ضرورت، فوریت و صدور حکم قضایی مشخص امکان‌پذیر خواهد بود. اقدامات صورت‌گرفته نیز باید مستند، محدود به مفاد حکم، و همواره تحت نظارت قضایی مستمر انجام شود تا از تعدی به حقوق -

بنیادین شهروندان پیشگیری گردد. هرگونه تخطی از این چارچوب قانونی، می‌تواند مسئولیت کیفری مأموران ذی‌ربط را در پی داشته باشد.

۴.۱.۲. امر به معروف و نهی از منکر

یکی از زمینه‌های چالش‌برانگیز در نظام حقوقی ایران، تعارض میان فریضه امر به معروف و نهی از منکر و اصل حمایت کیفری از حریم خصوصی است. اگرچه در مواردی، مداخلات در حوزه خصوصی افراد با استناد به این فریضه صورت می‌گیرد، اما بررسی دقیق قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ نشان می‌دهد که این قانون در هیچ‌یک از مواد خود مجوز صریحی برای ورود به حریم خصوصی اشخاص صادر نکرده است.

نکته‌ای که در این قسمت در خصوص قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ باید افزود این است که تبصره ماده ۵ این قانون، قسمت‌های مشترک آپارتمان‌ها، هتل‌ها، بیمارستان‌ها و وسایل نقلیه را به دلیل «در معرض دید عموم بودن» و «عدم نیاز به تجسس» از حریم خصوصی خارج می‌کند. استدلال قانون‌گذار و موافقان این بوده است که اساساً این فضاها به دلیل «در معرض دید عموم بودن» و «عدم نیاز به تجسس» مشمول حریم خصوصی نیستند. از منظر حقوقی، آن‌ها به اصل ۳ و ۸ قانون اساسی استناد می‌کنند که ترویج ارزش‌های اسلامی و امر به معروف را وظیفه دولت و مردم می‌داند. از منظر فقهی نیز با استدلال به «سد ذرایع» و لزوم اجرای امر به معروف در فضاهای علنی، نظارت را موجه می‌دانند و معتقدند تجسس در این موارد ممنوع نیست. از نظر اجتماعی، آنان این تبصره را برای حفظ نظم و جلوگیری از ناهنجاری‌های اخلاقی ضروری می‌بینند. البته نقدهایی نیز به این تبصره وارد شده، از جمله اینکه از منظر حقوقی، فقهی و منطقی مشکل‌ساز است و اساساً این تبصره با اصل ۲۲ قانون اساسی (مصونیت حیثیت و زندگی خصوصی) و ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مغایرت دارد، زیرا حضور در فضاهای نیمه‌عمومی را به معنای سلب کامل حریم خصوصی فرض می‌کند. در فقه اسلامی، با نهی از تجسس (حجرات: ۱۲) و حفظ کرامت افراد ناسازگار است، چراکه می‌تواند به مداخله غیرضروری در امور شخصی منجر شود. منطقی‌تر نیز تعریف مبهم «فضای عمومی» و فقدان معیار دقیق، خطر سوءاستفاده و نقض خودمختاری فردی را افزایش می‌دهد. این تبصره می‌تواند با توجیه نظارت گسترده، تنش‌های اجتماعی را تشدید کرده، اعتماد عمومی را تضعیف نماید. اصلاح آن برای حفظ تعادل بین امر به معروف و حقوق افراد ضروری است (Faramarzi & Fani, 2024: 8).

به‌طور کلی پس از تصویب تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، نظام حقوقی کشور با دو جریان تفسیری متعارض در باب حریم خصوصی مواجه شده است: درحالی که یک

دیدگاه با اتکا به ظاهر نص، به نفی کامل حریم خصوصی این اماکن رأی می‌دهد، دیدگاه مقابل با تفسیری نظام‌مند و اصولی، این برداشت را برنمی‌تابد و معتقد است که چنین تبصره‌ای توانایی بازتعریف یک حق بنیادین و تضعیف قواعد آمره دادرسی را ندارد.

دیدگاه نخست که می‌توان آن را تفسیر موسع، لفظی و پوزیتیویستی نامید، عمدتاً از سوی برخی نهادهای اجرایی و انتظامی مورد استناد قرار گرفته است. طرف‌داران این نظر معتقدند، اراده قانون‌گذار در متن تبصره به صراحت بیان شده و هرگونه تفسیر خلاف ظاهر، نقض غرض مقنن است. مطابق این نگرش، از آنجا که قانون آمران به معروف (۱۳۹۴) نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)، هم «خاص» است و هم «مؤخر»، طبق قواعد حل تعارض، قانون خاص مؤخر، قانون عام مقدم را تخصیص می‌زند؛ بنابراین، اراده قانون‌گذار در سال ۹۴ بر این بوده است که در این اماکن خاص، الزامات ماده ۱۴۷ ق.آ.د.ک (لزوم مجوز موردی) رعایت نشود. در واقع، قانون‌گذار اساساً این اماکن را «فاقد حریم خصوصی» دانسته است. وقتی حریمی وجود ندارد، نقض آن نیز موضوعیت نداشته، لذا تشریفات ورود به حریم خصوصی (مجوز قضایی) نیز سالبه به انتفای موضوع است. این نگرش در مذاکرات مجلس شورای اسلامی نیز بازتاب یافت؛ جایی که در پاسخ به اخطار مغایرت تبصره با اصل ۲۲ قانون اساسی، استدلال شد که صراحت ماده بر اماکن قابل رؤیت متمرکز است و نمی‌توان در این فضاها رفتاری خلاف مقررات داشت (IRNA, 2014). بر اساس این خوانش، هر فعل مجرمانه‌ای که در بخش‌های قابل رؤیت این اماکن - خواه لابی یک هتل، مشاعات یک ساختمان یا داخل یک وسیله نقلیه - رخ دهد، جرم مشهود تلقی شده، به ضابطان دادگستری اجازه مداخله فوری بدون نیاز به حکم قضایی را می‌دهد؛ دیدگاهی که مسئولان انتظامی و برخی حقوق‌دانان نیز آن را تکرار کرده‌اند (Ibid).

در صورت اتخاذ چنین رویکردی، از منظر تحلیلی باید گفت که این تبصره رابطه‌ای تقابلی با مفهوم حریم خصوصی دارد و با برخی مقررات آیین دادرسی کیفری (مواد ۴۱ و ۱۴۷) در زمینه بازرسی اماکن در تعارض است. تبصره با فرض اینکه فضاها نیمه‌عمومی (مانند راهروهای آپارتمان یا لابی هتل) به دلیل علنی بودن فاقد حریم خصوصی‌اند، این حق را محدود می‌کند. این رویکرد با انتظار معقول حفظ حریم (مانند عدم نظارت بر پوشش یا رفتار شخصی) در این فضاها مغایرت دارد. در آیین دادرسی کیفری (مواد ۴۱ و ۱۴۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲)، بازرسی اماکن نیازمند مجوز قضایی و رعایت شرایط خاص (مانند ضرورت و تناسب) است. تبصره ماده ۵، با مشروعیت‌بخشی به نظارت عمومی (مانند امر به معروف) بدون مجوز قضایی، می‌تواند مقررات بازرسی را نقض کند، زیرا به افراد غیرمسئول اجازه مداخله در فضاهایی می‌دهد که همچنان انتظار حریم خصوصی در آن‌ها وجود دارد. این امر خطر سوءاستفاده و نقض حقوق افراد را افزایش می‌دهد. از منظر اجتماعی، تبصره با ترویج نظارت عمومی، اعتماد اجتماعی را تضعیف می‌کند و می‌تواند به تنش منجر شود، به‌ویژه در بستر اعتراضات ۱۴۰۱ که

نشان داد نظارت سخت گیرانه بر رفتار شخصی (مانند پوشش) به واکنش‌های گسترده دامن می‌زند. این تبصره، با ابهام در تعریف «فضای عمومی»، به مداخلات خودسرانه مشروعیت می‌بخشد و با روح آیین دادرسی کیفری که بر نظارت قضایی و محدود کردن بازرسی تأکید دارد، ناسازگار است. در نتیجه، تبصره ماده ۵ با محدود کردن حریم خصوصی در فضاهای نیمه عمومی، با اصول حقوقی (قانون اساسی و آیین دادرسی کیفری)، قواعد فقهی (نهی از تجسس) و نیازهای اجتماعی (حفظ همبستگی) تعارض دارد. این تبصره با اجازه نظارت بدون مجوز قضایی، مقررات بازرسی را تضعیف کرده، خطر نقض حقوق افراد و تشدید بی‌اعتمادی را به همراه خواهد داشت.

به دلیل چنین ایراداتی در مقابل دیدگاه نخست، دیدگاه دیگری مطرح شده که از پشتوانه دکتربین حقوقی، رویه قضایی و اصول فقهی مستحکم‌تری برخوردار است؛ این دیدگاه تفسیر سطحی را به چالش می‌کشد. این جریان فکری بر مبانی متعددی استوار است که در کنار هم، ساختاری منسجم برای دفاع از حریم خصوصی این فضاها ایجاد می‌کنند. نخستین و اساسی‌ترین استدلال آن است که حریم خصوصی یک حق بنیادین و طبیعی است که از کرامت ذاتی انسان (اصل دوم قانون اساسی) نشئت می‌گیرد و محدودیت آن تنها به حکم قانون و با رعایت اصل تناسب ممکن است (Raei, 2010: 129-130). این حق که در ادبیات حقوقی به آن حق بنیادین نسبی نیز گفته می‌شود، گرچه مطلق نیست، اما تضعیف آن نیازمند قانون‌گذاری صریح، شفاف و مبتنی بر ضرورتی مشخص است. اصل ۲۲ قانون اساسی نیز با تضمین مصونیت جان، مال، حقوق و مسکن اشخاص، این حق را مورد حمایت قرار داده است، لذا یک تبصره در قانونی با موضوع خاص نمی‌تواند چنین حق بنیادینی را به صورت کلی بازتعریف کند (Jaberi, 2016: 56-57).

تفسیر دیگر، تفسیری غایت‌شناسانه از قانون است. هدف اصلی قانون حمایت از آمران به معروف، چنان که از عنوانش پیداست، تنظیم وظیفه همگانی و شهروندی امر به معروف و نهی از منکر است، نه بازنویسی اختیارات ضابطان قضایی در قانون آیین دادرسی کیفری. به بیان دقیق‌تر، این قانون صرفاً در مقام تبیین محدوده نظارت عمومی و اتفاقی شهروندان بر یکدیگر است و نمی‌تواند به نظارت رسمی و عامدانه دولت تسری یابد (Javan Arasteh, 2021: 187-190). لذا، خروج این اماکن از شمول حریم خصوصی، از حیث رعایت شرع است و نه مجوز ورود پلیس (Sarikhani & Mohtaram Qalati, 2019: 170). یعنی این تبصره صرفاً یک معیار برای تقسیم‌بندی فضاها جهت انجام امر به معروف «لسانی» ارائه می‌دهد. یعنی مشخص می‌کند در چه فضاهایی شهروندان می‌توانند تذکر دهند (فضاهای در معرض دید) و در چه فضاهایی حق مداخله ندارند (فضاهای کاملاً خصوصی). به همین دلیل دکتر خالقی در یادداشتی با توصیف حقوقی «چیستی حریم خصوصی»، با گفته دادستان کل کشور مبنی بر حریم شخصی نبودن خودرو مخالفت کرده، چنین اظهار نظر می‌نماید: «از نظر حقوقی، خانه و خودروی

اشخاص جزئی از حریم خصوصی آنان محسوب می‌شود و ورود به آنها مستلزم إذن مالک یا متصرف قانونی است. این ضابطه که محلی (بدون تجسس در معرض دید عموم باشد)، ملاک قابل قبولی برای نفی عنوان حریم خصوصی از آن محل به‌شمار نمی‌رود؛ چرا که پنجره‌های منازل مسکونی هم ممکن است در روزهایی از سال به دلیل نقاشی یا نظافت کلی، پرده نداشته و داخل آن محل‌ها بدون تجسس توسط عموم قابل رؤیت باشد. آیا در این شرایط، کسی می‌تواند چنین خانه‌هایی را حریم خصوصی مالکش نداند؟!

برای مهار قلمرو عبارت فوق که موازین حقوقی مربوط به حریم خصوصی را نادیده گرفته است، باید دست به تفسیر غایی آن در محدوده موردنظر قانون‌گذار زد. عبارت یادشده در قالب تبصره ماده ۵ قانونی خاص آمده است. در حقوق موضوعه ما، از نظر شیوه قانون‌نویسی، یک تبصره وجودی مستقل ندارد، بلکه عبارتی تبعی و در تکمیل حکم متن ماده است. در تفسیر یک تبصره باید به حکم متن ماده آن توجه نمود و تبصره را ناظر و مکمل آن حکم دانست. حکم ماده ۵، ممنوعیت تعرض به حیثیت، جان، مال، مسکن، شغل، حریم خصوصی و حقوق اشخاص، در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است و تنها به این منظور، خودرو حریم خصوصی تلقی نشده، نه به منظور اعلام یک حکم کلی. بنابراین، نباید از حکم موردی، محدود و خلاف قاعده مندرج در تبصره ماده ۵ قاعده ساخت و آن را برای سایر مواردی که رعایت حریم خصوصی شهروندان ضرورت دارد، ازجمله در مورد تعیین تکالیف ضابطان دادگستری در مواجهه با جرایم مورد استفاده قرار داد» (Khaleghi, 2022, Vokala Press).

استدلال کلیدی دیگر، تفکیک مفهومی میان «حریم خصوصی مادی» (حق مصونیت از ورود و تفتیش فیزیکی) و «حریم خصوصی غیرمادی» (حق مصونیت از نگاه و نظارت) است. تبصره ماده ۵، صرفاً جنبه دوم، یعنی حریم بصری را در قسمت‌های قابل رؤیت اماکن یادشده منتفی می‌داند، اما به هیچ وجه مجوز تعرض به جنبه اول، یعنی حریم فیزیکی را صادر نمی‌کند. همان‌گونه که قابل رؤیت بودن لابی یک هتل از خیابان به کسی مجوز ورود بدون اجازه را نمی‌دهد، یا باز بودن پنجره یک خانه به معنای سلب وصف خصوصی از آن نیست، شیشه‌ای بودن خودرو نیز مجوزی برای بازرسی داخل آن ایجاد نمی‌کند (Shokri, Sheydaeian & Mirkhalili, 2017: 31-38). معیار اساسی برای تشخیص حریم خصوصی، ضرورت کسب إذن از مالک یا متصرف برای ورود است. از آنجا که ورود به مشاعات یک ساختمان یا داخل خودروی دیگری مستلزم اجازه است، این فضاها ماهیتاً خصوصی تلقی می‌شوند.

علاوه بر این، پذیرش دیدگاه نخست به نتایج غیرمنطقی و متناقض در پیکره نظام حقوقی منجر می‌شود. برای مثال، در قوانین کیفری ماهوی، جرایمی مانند «سرقت از توابع محل سکونت» (مانند پارکینگ و حیاط) و «ورود به عنف به منزل یا مسکن دیگری» (ماده ۶۹۴ ق.م.ا) که مشاعات ساختمان را نیز دربر می‌گیرد، به صراحت جرم‌انگاری شده‌اند. اگر این فضاها به صرف قابل رؤیت بودن، حریم

خصوصی نباشند، جرم‌انگاری این اعمال و تشدید مجازات آنها بی‌معنا خواهد بود؛ نتیجه‌ای که با رویه قضایی و منطق حقوقی در تضاد کامل است.

از منظر سلسله‌مراتب قوانین نیز یک تبصره در قانون عادی نمی‌تواند ناقض اصول بالادستی قانون اساسی (اصل ۲۲) یا رویه قضایی مستقر باشد. رأی تاریخی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۸۱ که بخشنامه نیروی انتظامی مبنی بر جواز بازرسی خودرو بدون حکم قضایی را ابطال کرد، یک اصل کلی را تثبیت می‌کند و آن لزوم رعایت تشریفات دادرسی برای تعرض به اموال افراد است. این اصل با مبانی فقهی نیز سازگار است؛ چنان‌که فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی (ره) بر حرمت تجسس تأکید دارد و مراجع تقلید معاصر همچون آیت‌الله مکارم شیرازی، آیت‌الله زنجانی و نوری همدانی نیز داخل خودرو را ملک و حریم شخصی فرد می‌دانند (Tabnak, 2013).

یکی از فنی‌ترین استدلال‌ها در رد صلاحیت اجرایی تبصره ماده ۵، استناد به قاعده «نسخ ضمنی توسط قانون خاص مؤخر» است. در این چارچوب، تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران (مصوب فروردین ۱۳۹۴) یک «قانون عام مقدم» محسوب می‌شود؛ زیرا صرفاً به تعریف ماهوی یک مکان می‌پردازد و حکمی کلی صادر می‌کند که خود با اصول بنیادین قانون اساسی (اصل ۲۲) و منطق حقوق جزا (مفهوم حرز) در تعارض است. در نقطه مقابل، قانون آیین دادرسی کیفری (لازم‌الاجرا از تیر ۱۳۹۴) یک «قانون خاص مؤخر» است. این قانون «خاص» است، زیرا موضوع آن نه تعریف ماهوی حریم خصوصی، بلکه منحصرأ بیان آیین و تشریفات امره «نحوه ورود و بازرسی ضابطان» است (مواد ۵۵ و ۱۳۷). از آنجا که قانون خاص مؤخر که به تشریفات امره می‌پردازد، دیرتر لازم‌الاجرا شده، طبق اصول مسلم حقوقی، حکم آن بر حکم عام مقدم غلبه داشته، آن را در محدوده عملکرد ضابطان دادگستری نسخ می‌کند. علاوه بر این، باید توجه داشت مقررات مربوط به بازرسی و تفتیش و ورود به اماکن صرفاً قوانین عادی نیستند، بلکه جزء قواعد امره و مرتبط با اصول دادرسی منصفانه‌اند (Khaleghi, 2022: 229). این قواعد تضمین‌کننده حقوق دفاعی شهروندان در برابر قدرت دولت (و حتی دیگر شهروندان) هستند و نمی‌توان آن‌ها را با یک قانون عادی به صورت ضمنی نسخ کرد. نسخ چنین قواعد مهمی نیازمند تصریح خود قانون‌گذار است. تبصره ماده ۵ صرفاً «تعریف حریم خصوصی» در سطح مشاهده را بیان کرده و هیچ تصریحی به «اختیارات بازرسی» ندارد. به علاوه، تعبیر «بدون تجسس»، خود نشان می‌دهد که هرگونه تجسس/ باز کردن/ تفحص، از شمول تبصره خارج است و به قواعد بازرسی بازمی‌گردد.

۱. این فرمان به صراحت ورود به منازل، افشای گناهان کشف‌شده به صورت اتفاقی و صدور احکام کلی برای ورود به حریم خصوصی را منع می‌کند. این سند نشان می‌دهد که حتی به بهانه کشف جرم یا گناه، هتک حرمت حریم خصوصی جایز نیست و این اصل، بر استثنای مقدم است (Javan Arasteh, 2021: 183).

همچنین، استدلال گروه نخست و برداشت موسع از تبصره ماده ۵ با ماده ۴ همان قانون در تعارض است. ماده ۴ تصریح می‌کند که مرتبه «عملی» امر به معروف (که شامل ورود و بازرسی است) منحصرأً وظیفه دولت و آن هم «در حدود و مواردی که قوانین مقرر کرده» می‌باشد؛ این یعنی تبصره ماده ۵ نمی‌تواند اختیاری فراتر از آنچه در قوانین دیگر (مانند ق.آ.د.ک) آمده است، ایجاد کند.

در ادامه بررسی سایر قوانین باید گفت که مطابق ماده ۸ این قانون، ضابطان دادگستری و مأموران انتظامی موظف‌اند صرفاً در چارچوب قوانین موجود و در صورت درخواست آمر یا ناهی، اقدام قانونی مقتضی را انجام دهند. بنابراین، ورود به حوزه‌های خصوصی افراد منوط به تحقق شرایط قانونی مشخص، از جمله وجود مجوز قضایی یا ارتکاب جرم مستقل است. در همین راستا، ماده ۶ قانون یادشده تصریح می‌کند که هیچ فرد یا نهادی مجاز نیست به بهانه اجرای این فریضه، مرتکب رفتارهایی چون توهین، افتراء، ضرب و جرح یا سایر اعمال مجرمانه شود و در صورت تخلف، متخلفان بر اساس مقررات قانون مجازات اسلامی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت.

همچنین بر پایه اصول ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مقررات آیین دادرسی کیفری، ورود به اماکن خصوصی، بازرسی بدنی، شنود مکالمات و هرگونه اقدام تجسسی تنها در صورت صدور مجوز از مرجع صالح قضایی مشروعیت می‌یابد. به این ترتیب، استناد به ماده ۸ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، به تنهایی نمی‌تواند مبنای قانونی برای مداخلات در حریم خصوصی تلقی شود و تبصره ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، یک قاعده تفسیری عام برای بازتعریف حریم خصوصی ایجاد نکرده و اختیارات ضابطان قضایی را گسترش نداده است. این تبصره صرفاً در مقام تعیین محدوده وظیفه «لسانی» شهروندان در برابر جرایم مشهود بصری است و به هیچ عنوان قواعد آمره و بنیادین مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر لزوم اخذ حکم قضایی برای تفتیش و بازرسی را تضعیف یا نسخ نمی‌کند. بنابراین، حریم خصوصی مادی و فیزیکی اماکن یادشده در این تبصره، همچنان تحت حمایت کامل نظام حقوقی ایران باقی است و هرگونه تعرض به آن بدون رعایت تشریفات قانونی، فاقد وجهت و اعتبار است.

با وجود تصریح این محدودیت‌ها، ابهام در تعریف قانونی و عملی حریم خصوصی، نبود مرزهای روشن میان حوزه عمومی و خصوصی، و فقدان سازوکار نظارتی مؤثر، موجب شده است تا در برخی موارد، اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر به نقض حریم خصوصی بینجامد. از این رو، تعیین دقیق حدود قانونی این فریضه، تدوین معیارهای شفاف برای تفکیک حوزه‌های قابل مداخله و نیز پیش‌بینی نهاد ناظر مستقل، از الزامات تقویت نظام کیفری حمایت از حریم خصوصی در حقوق ایران به‌شمار می‌رود.

۳.۱.۴. پیشگیری از جرم و کشف جرایم

قانون گذار در مواد متعددی از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در راستای کشف جرم و جلوگیری از امحای ادله، ورود به حریم خصوصی افراد را در شرایطی استثنایی و با رعایت ضوابط قانونی تجویز کرده است. مواد ۱۳۷ تا ۱۴۰ این قانون، امکان تفتیش و بازرسی منازل را در صورت ضرورت و با دستور کتبی مقام قضایی پیش‌بینی کرده است. چنین بازرسی‌هایی باید با حضور دو شاهد معتمد انجام شود و مراتب آن به‌طور دقیق صورت‌جلسه گردد. در مورد جرم مشهود نیز ماده ۴۴ قانون پیش‌گفته، ورود فوری مأموران به محل وقوع جرم را مجاز می‌داند، مشروط بر آنکه گزارش کامل ظرف حداکثر ۲۴ ساعت به دادستان ارائه شود؛ در غیر این صورت، مشروعیت اقدام یادشده زیر سؤال خواهد رفت.

در زمینه شنود و کنترل ارتباطات، ماده ۱۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری صرفاً در جرایم مهم موضوع بندهای «الف» تا «ت» ماده ۳۰۲، یا در صورت تهدید علیه امنیت داخلی و خارجی، اجازه استراق سمع و نظارت ارتباطی را می‌دهد. این مجوز فقط در صورت تأیید رئیس کل دادگستری استان و برای مقامات عالی با تصویب رئیس قوه قضاییه صادر می‌شود.

همچنین، بند ۸ ماده واحده «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» مصوب ۱۳۸۳، بازرسی‌های میدانی را در تعقیب متهم فراری یا کشف آلات جرم، مشروط به رعایت اصل حداقلی بودن مداخله، احتیاط کامل، و پرهیز از دسترسی غیرضرور به اطلاعات یا اموال شخصی دانسته است.

ضمانت اجرای کلی برای سوءاستفاده از این اختیارات در ماده ۵۷۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) پیش‌بینی شده است. این ماده، ورود غیرقانونی مأموران به حریم خصوصی اشخاص را جرم دانسته و برای آن مجازات حبس و انفصال از خدمت مقرر کرده است. با این حال، به دلیل محدود بودن دامنه این ماده به مأموران دولتی و عدم شمول آن نسبت به اشخاص حقوقی خصوصی، خلأ قانونی در مواجهه با نقض حریم خصوصی از سوی نهادهای غیردولتی همچنان وجود دارد.

در مجموع، هرچند قانون گذار با تدوین این مقررات تلاش کرده است مداخلات در حریم خصوصی را به شرایط خاص و با نظارت قضایی محدود سازد، اما ضعف در ضمانت‌های اجرا، عدم تعریف شفاف از مفهوم ضرورت و تناسب، و نبود نهاد ناظر مستقل، موجب شده است که اجرای دقیق این احکام در عمل با چالش‌های جدی مواجه باشد. در این راستا، اصلاح قوانین مربوط، تقویت رویه‌های نظارتی و ایجاد سامانه‌های شفاف ثبت و کنترل مجوزهای قضایی، می‌تواند گامی مؤثر در راستای تضمین واقعی حقوق شهروندان تلقی شود.

۲.۴. استثنای نقض حریم خصوصی در حقوق فرانسه

نظام حقوقی فرانسه، با تکیه بر ماده ۹ قانون مدنی و مواد ۱-۲۲۶ تا ۷-۲۲۶ قانون مجازات، به صورت شفاف از حریم خصوصی حمایت می‌کند؛ با این حال، استثناهایی نیز در چارچوب‌های محدود و تعریف‌شده وجود دارد.

۲.۴.۱. امنیت ملی و مبارزه با تروریسم

یکی از مهم‌ترین استثنای نقض حریم خصوصی در حقوق فرانسه، مربوط به امنیت ملی و تهدیدات تروریستی است. مطابق قانون ۱۹۹۴ مبارزه با تروریسم، دولت فرانسه برای مقابله مؤثر با جرایم تروریستی، مجاز به اعمال تدابیر ویژه‌ای است. این قانون، امکان نظارت بر مکاتبات، شنود و کنترل ارتباطات الکترونیکی افراد مظنون را حتی بدون اخذ مجوز قضایی اولیه فراهم کرده است. با این حال، چنین اقداماتی الزاماً باید زیر نظر مقامات قضایی انجام شود تا از سوءاستفاده احتمالی جلوگیری گردد. حقوق‌دانانی چون پیر کایزر معتقدند که قانون جزای ۱۹۹۴ نوآوری‌های مهمی را در حوزه مبارزه با تروریسم به ارمغان آورده است؛ هرچند اختلاف نظرهایی درباره موفقیت عملی این قانون در مقایسه با قوانین قبلی نظیر قانون ۹ سپتامبر ۱۹۸۶ وجود دارد. قانون اخیر (۱۹۸۶) به تصویب ماده ۷۰۶ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه انجامید که اساس مقررات بعدی قرار گرفت (Kayser, 2023: 13).

با این حال، نگرانی اصلی در حقوق فرانسه حفظ تعادل میان ضرورت‌های امنیت ملی و صیانت از آزادی‌های فردی، به‌ویژه حق حریم خصوصی است. به همین دلیل، حتی ابزارهای نظارتی قانون ۱۹۹۴، مشروط به نظارت پسینی نهادهایی مانند کمیسیون ملی کنترل مصادیق فناوری‌های اطلاعاتی (CNCTR) و بازبینی قضایی مکرر هستند تا از «خودسرانه» شدن اقدام امنیتی جلوگیری کنند. این مکانیزم‌های نظارتی نه تنها مشروعیت مداخلات را تضمین می‌کنند، بلکه نشان می‌دهند که در نظام کیفری فرانسه، امنیت و حریم خصوصی دو ستون مکمل یکدیگرند و هیچ‌یک نباید به قیمت دیگری تضعیف شود.

۲.۴.۲. جرایم سازمان‌یافته

قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه، به‌ویژه در مواد ۷۰۶-۷۳ و ۷۰۶-۷۴، استثنای دیگری برای نقض حریم خصوصی را به‌منظور مقابله با جرایم سازمان‌یافته در نظر گرفته است. مطابق این مواد، استفاده از ابزارهای نظارتی خاص از جمله شنود تلفنی، رهگیری دیجیتال و تفتیش اماکن، تحت شرایط مشخصی مجاز است. طبق ماده ۱۳۲-۷۱ قانون مجازات فرانسه، جرم سازمان‌یافته به شرایط خاصی بستگی دارد:

نخست، وجود یک گروه یا باند سازمان یافته که با توافق قبلی و ساختار مشخص شکل گرفته باشد؛ دوم، اثبات برنامه ریزی و آمادگی قبلی جهت ارتکاب جرم؛ و سوم، تعیین دقیق اهداف مجرمانه. مقامات قضایی تنها پس از احراز این شرایط می توانند اجازه استفاده از ابزارهای نظارتی را صادر کنند. این اقدامات باید همواره تحت نظارت دقیق قضایی باشد.

۳.۲.۴. شرایط اضطراری و تهدیدات قریب الوقوع

قانون فرانسه همچنین اجازه می دهد در موارد اضطراری و مواجهه با خطر قریب الوقوع برای جان افراد یا امنیت عمومی، اقدامات فوری و استثنایی صورت پذیرد. چنین اقداماتی که شامل نظارت اضطراری و کنترل سریع مکاتبات و ارتباطات افراد مظنون می شود، بلافاصله باید به اطلاع مراجع قضایی رسیده، تحت نظارت مستمر و دقیق آنان ادامه یابد. این تدابیر موقتی است و فقط تا زمانی که خطر جدی وجود داشته باشد، ادامه می یابد. هرگونه سوءاستفاده از این استثنا، موجب پیگرد قانونی خواهد بود (Kayser, 2023: 28).

این تدابیر اضطراری، با آنکه لازمه مواجهه سریع با خطرهای قریب الوقوع هستند، خود به عنوان ابزاری پیشگیرانه و ضامن حفظ حریم خصوصی عمل می کنند؛ چراکه مقید شدن آن ها به حکم قضایی پسینی و نظارت مستمر، مقدمات جرم انگاری هرگونه تجاوز غیرمجاز را فراهم می سازد و از این طریق تعادل میان امنیت عمومی و حقوق فردی را تضمین می کند.

۵. چالش های حمایت کیفری از حریم خصوصی در حقوق ایران و فرانسه

با گسترش فناوری های نوین و پیچیده تر شدن تهدیدها علیه حریم خصوصی افراد، نظام های حقوقی مختلف با چالش های جدید و چندلایه ای در حوزه حمایت کیفری از این حق بنیادین مواجه شده اند. در این میان، حقوق ایران و فرانسه، با وجود تفاوت های ساختاری و ارزشی، هر دو در تحقق حمایت کیفری مؤثر از حریم خصوصی با موانع تقنینی و اجرایی متعددی روبه رو هستند. در نظام حقوقی ایران، نبود تعریف جامع از حریم خصوصی، پراکندگی مقررات، تعارض میان الزامات دینی و حقوق شهروندی، و ضعف در ضمانت اجرای قانونی و سازوکارهای اجرایی، موجب کاهش کارآمدی حمایت کیفری شده است. در سوی دیگر، حقوق فرانسه اگرچه از ساختار نسبتاً پیشرفته ای در زمینه حفاظت از داده ها و حریم خصوصی برخوردار است، اما چالش هایی نظیر تداخل آزادی های فردی با امنیت ملی، بهره برداری نهادهای امنیتی از فناوری های نوین نظارتی، و ضعف نسبی در نظارت عملی بر اجرای قانون، کارایی این حمایت ها را تحت تأثیر قرار داده است. بررسی تطبیقی این چالش ها، راه را برای تحلیل دقیق تر موانع ساختاری و ارائه راهکارهای اصلاحی در هر دو نظام هموار می سازد.

۵.۱. چالش‌های تقنینی و اجرایی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران حمایت کیفری از حریم خصوصی با چالش‌های متعددی مواجه است که ازجمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فقدان تعریف جامع و منسجم از حریم خصوصی و پراکندگی مقررات در منابع قانونی مختلف اشاره کرد. در واقع، قانون‌گذار ایران به‌رغم تأکید ضمنی در اصل ۲۲ قانون اساسی بر رعایت حریم خصوصی افراد، هیچ تعریف جامعی از مفهوم «حریم خصوصی» ارائه نداده است و همین موضوع، موجب ابهام در تفسیر و اجرای قوانین مرتبط شده است. مصادیق حریم خصوصی در ایران عمدتاً به شکل پراکنده در قوانین مختلف ازجمله قانون مجازات اسلامی، قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ذکر شده است. این پراکندگی موجب ایجاد سردرگمی در خصوص قلمرو دقیق حمایت کیفری شده است.

از سوی دیگر، یکی دیگر از چالش‌های مهم حقوقی و اجتماعی در ایران، تعارض میان حمایت از حریم خصوصی و برخی مفاهیم فقهی و قانونی همچون امر به معروف و نهی از منکر است. در واقع، در مواردی نهادهای مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر یا دستگاه‌های امنیتی به استناد این مفهوم، اقدام به ورود به حریم خصوصی شهروندان می‌کنند که این امر به بروز تعارضات حقوقی و اجتماعی قابل توجهی منجر شده است. همچنین، ضعف در ضمانت‌های اجرای قانونی موجب کاهش اثر بازدارندگی قوانین و تکرار نقض حریم خصوصی در ایران شده است. این درحالی است که ضمانت‌های اجرای کیفری فعلی در قوانین ایران با توجه به آسیب‌های وارده به قربانیان کافی و بازدارنده نیست.

در عرصه اجرایی و قضایی نیز چالش‌هایی همچون کمبود نیروی متخصص، نبود زیرساخت‌های مناسب تکنولوژیکی و همچنین عدم هماهنگی کافی بین مراجع قضایی و انتظامی به اجرای ناقص قوانین حمایتی انجامیده است. این مسائل در کنار فقدان رویه قضایی مشخص، سبب شده است تا اجرای حمایت کیفری از حریم خصوصی در ایران با مشکلات عملی جدی مواجه شود.

۵.۲. چالش‌های تقنینی و اجرایی در حقوق فرانسه

در نظام حقوقی فرانسه، علی‌رغم برخورداری از قوانین جامع و پیشرفته مانند قانون مدنی (ماده ۹)، قانون جزا (ماده ۲۲۶)، و مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها (GDPR)، چالش‌هایی در خصوص حمایت کیفری از حریم خصوصی وجود دارد که عمدتاً ناشی از تعارض میان حقوق و آزادی‌های فردی با الزامات امنیت ملی است. به‌ویژه در شرایط اضطراری و تهدیدهای امنیتی، فرانسه با چالش جدی در ایجاد توازن بین آزادی‌ها و امنیت ملی روبه‌رو است.

یکی از چالش‌های قابل توجه، استفاده گسترده از فناوری‌های نوین، نظیر تشخیص چهره و جمع‌آوری

بیومتریک از سوی نهادهای امنیتی و انتظامی فرانسه است که نگرانی‌هایی را در زمینه نقض حریم خصوصی افراد ایجاد کرده است. اگرچه فرانسه دارای قوانین سخت‌گیرانه‌ای در مورد استفاده از این فناوری‌هاست، اما کنترل و نظارت بر اجرای دقیق آن‌ها همچنان یک چالش اساسی است. این موضوع به‌خصوص در پی حملات تروریستی اخیر و گسترش جرایم سازمان‌یافته، پررنگ‌تر شده، گاهی به سوءاستفاده از ابزارهای نظارتی انجامیده است.

همچنین، با وجود نهاد مستقل نظارتی مانند کمیسیون ملی اطلاعات و آزادی‌ها (CNIL)، مسائل مربوط به جمع‌آوری و نگهداری انبوه داده‌ها از سوی دولت و نهادهای خصوصی، همچنان موضوع بحث‌برانگیزی است. در موارد متعددی این کمیسیون با چالش‌هایی در زمینه رسیدگی و برخورد قاطع با تخلفات مرتبط با حریم خصوصی مواجه بوده است. این مسئله نشان‌دهنده نیاز به تقویت بیشتر سازوکارهای اجرایی و نظارتی برای مقابله با نقض حریم خصوصی در فرانسه است. به‌طور کلی، اگرچه نظام حقوقی فرانسه از نظر قوانین حمایتی در وضعیت بهتری نسبت به ایران قرار دارد، اما همچنان در مرحله اجرایی با چالش‌هایی روبه‌رو است که بازنگری مستمر و ایجاد توازن بین حقوق اساسی شهروندان و امنیت ملی را می‌طلبد.

۶. بحث و تحلیل تطبیقی حمایت کیفری از حریم خصوصی در دو نظام حقوقی ایران و فرانسه

حمایت کیفری از حریم خصوصی به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر، در هر دو نظام حقوقی ایران و فرانسه به‌رسمیت شناخته شده است؛ اما تفاوت‌های اساسی در مبانی نظری، ساختارهای حقوقی، و نحوه اجرای آن‌ها وجود دارد. در این قسمت، به بررسی تطبیقی و تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های میان دو نظام حقوقی ایران و فرانسه در حوزه حمایت کیفری از حریم خصوصی پرداخته می‌شود.

نخست، از منظر مبانی نظری، نظام حقوقی ایران متکی بر آموزه‌های اسلامی و اصول قانون اساسی است. در این نظام، حفظ کرامت انسانی و جلوگیری از تجسس و اشاعه فحشا از اصول بنیادین حمایت از حریم خصوصی تلقی می‌شوند. در مقابل، نظام حقوقی فرانسه با تکیه بر اصول حقوق طبیعی و قرارداد اجتماعی، حریم خصوصی را به‌عنوان حقی ذاتی و غیرقابل تعرض برای فرد در برابر دولت و دیگر افراد به‌رسمیت می‌شناسد. ماده ۹ قانون مدنی فرانسه با وضوح و صراحت بیشتری نسبت به قوانین ایران، به موضوع حریم خصوصی پرداخته، قواعدی روشن و اجرایی در این حوزه ارائه می‌دهد.

دوم، از منظر قوانین و ضمانت اجرای کیفری، فرانسه در مقایسه با ایران چارچوب حقوقی منسجم‌تر و دقیق‌تری دارد. قوانین فرانسه، به‌ویژه ماده ۲۲۶ قانون جزا و مقررات GDPR، با تعریف دقیق و جزئی از حریم خصوصی، ضمانت اجرای سنگین‌تری برای نقض آن پیش‌بینی کرده‌اند. این

موضوع سبب شده است تا سطح بازدارندگی قوانین در فرانسه به مراتب قوی‌تر از ایران باشد. در مقابل، قوانین ایران هرچند در اصول کلی (مانند اصل ۲۲ قانون اساسی) بر حمایت از حریم خصوصی تأکید دارند، ولی به دلیل فقدان تعریف جامع و دقیق و پراکندگی قوانین مرتبط، توانایی ایجاد یک نظام حمایتی منسجم و مؤثر را ندارند.

سوم، از نظر ساختار نظارتی، نظام حقوقی فرانسه دارای نهادهای مستقل و قدرتمندی است مانند کمیسیون ملی اطلاعات و آزادی‌ها (CNIL) که وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قوانین حریم خصوصی و حفاظت از داده‌های شخصی را به عهده دارند. این نهاد نظارتی از قدرت اجرایی لازم برخوردار بوده، توانایی اعمال جریمه‌ها و مجازات‌های مؤثر علیه متخلفان را دارد. در ایران اما، فقدان چنین نهاد مستقلی موجب شده است تا اجرای قوانین حمایتی از حریم خصوصی با چالش‌های اساسی مواجه شود و رسیدگی به نقض‌ها معمولاً طولانی و غیرمؤثر باشد.

چهارم، از منظر استثناهای مجاز برای نقض حریم خصوصی، نظام حقوقی فرانسه تلاش کرده است با تدوین قوانین مشخص، این استثناهای مجاز را به موارد ضروری و محدود، مانند امنیت ملی و پیشگیری از جرایم سازمان‌یافته، محدود کند و همواره تحت نظارت دقیق قضایی باشد. در مقابل، در ایران استثناهای وسیع‌تری وجود دارد و مفاهیمی مانند «امر به معروف و نهی از منکر» یا «مصلح امنیت ملی» گاهی باعث سوءاستفاده و نقض گسترده حریم خصوصی افراد شده است. این ابهام در تعریف استثناهای مجاز و نبود نظارت قضایی مؤثر، اجرای حمایت کیفری از حریم خصوصی را در ایران با چالش‌هایی جدی مواجه ساخته است.

پنجم، در حوزه اجرایی و قضایی، فرانسه نیز علی‌رغم وجود چارچوب حقوقی قوی با چالش‌هایی روبه‌رو است؛ از جمله تعارض میان امنیت ملی و حقوق شهروندی، به‌ویژه در شرایط اضطراری یا حملات تروریستی. اما نظام قضایی این کشور با نظارت مستمر و دقیق، تلاش کرده است این تعارضات را مدیریت کند. در ایران، این چالش‌ها بسیار عمیق‌تر و ساختاری‌تر بوده، مشکلاتی مانند کمبود نیروی متخصص، زیرساخت‌های ضعیف تکنولوژیکی و نبود رویه قضایی منسجم، اجرای قوانین کیفری در حوزه حریم خصوصی را به مراتب دشوارتر کرده است.

به‌طور کلی، یافته‌های این تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که نظام حقوقی فرانسه در زمینه حمایت کیفری از حریم خصوصی، به دلیل برخورداری از چارچوب حقوقی دقیق، تعریف روشن و جامع از حریم خصوصی، ضمانت‌های اجرای قوی و نهادهای نظارتی مستقل و مؤثر، در وضعیت مطلوب‌تری نسبت به ایران قرار دارد. از سوی دیگر، ایران به دلیل پراکندگی قوانین، ضعف در ضمانت‌های اجرا، نبود نهاد نظارتی مستقل و وجود تعارضات جدی میان حقوق شهروندی و الزامات امنیتی و مذهبی، نیازمند اصلاحات جدی و بنیادین در ساختار تقنینی و اجرایی خود است. در این راستا، تجربه موفق نظام حقوقی

فرانسه می‌تواند الگوی مناسبی برای ارتقای نظام حمایتی ایران در حوزه حریم خصوصی باشد.

مدل تطبیقی حمایت کیفری از حریم خصوصی در ایران و فرانسه

محور تحلیل	ایران	فرانسه
۱. مبانی نظری	متکی به فقه اسلامی، کرامت انسانی، اصل عدم تجسس، اصول قانون اساسی (مانند اصول ۲۲ و ۲۵)	متکی به حقوق طبیعی، قرارداد اجتماعی، ماده ۹ قانون مدنی، حقوق فردی در برابر دولت
۲. قوانین و ضمانت‌های اجرای کیفری	نبود تعریف جامع، پراکندگی قوانین، ضمانت‌های اجرای ضعیف	قوانین منسجم مانند ماده ۲۲۶ قانون جزا و GDPR با ضمانت اجرای قوی و مشخص
۳. ساختار نظارتی	فقدان نهاد نظارتی مستقل، اجرای ضعیف قوانین، رویه‌های پراکنده	نهاد مستقل CNIL با اختیارات اجرایی و توان اعمال مجازات
۴. استثناهای مجاز نقض حریم خصوصی	استثناهای گسترده، مفاهیم مبهم مانند امر به معروف و مصالح نظام، نظارت قضایی ضعیف	استثناهای محدود، تعریف شده، تحت نظارت قضایی مستمر و شفاف
۵. حوزه اجرایی و قضایی	مشکلات ساختاری، نبود رویه قضایی منسجم، کمبود متخصص، ضعف تکنولوژیکی	چالش‌هایی مثل امنیت ملی، اما با مدیریت قضایی نسبتاً منسجم و مبتنی بر حقوق شهروندی

۷. نتیجه‌گیری

حریم خصوصی یکی از مهم‌ترین و بنیادین‌ترین حقوق بشر است که در پرتو تحولات فناوری اطلاعات، گسترش فضای مجازی، و پیچیدگی‌های نوین اجتماعی و امنیتی، بیش از پیش در معرض تهدید قرار گرفته است. نگارندگان پژوهش حاضر با رویکردی تطبیقی میان دو نظام حقوقی ایران و فرانسه، به بررسی چگونگی حمایت کیفری از این حق اساسی پرداخته و تلاش کرده‌اند ضمن تحلیل مفهومی، قانونی و اجرایی، نقاط قوت و ضعف هر نظام را آشکار سازند.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در نظام حقوقی فرانسه، حریم خصوصی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار بوده، حمایت کیفری از آن در قالب مجموعه‌ای هماهنگ از قوانین مدنی، کیفری و مقررات بین‌المللی، به‌ویژه GDPR، تضمین شده است. فرانسه با تعریف روشن از حریم خصوصی، پیش‌بینی ضمانت‌های اجرای مؤثر، و تشکیل نهاد نظارتی مستقل مانند CNIL، توانسته است تا حدود زیادی به حمایت عملی از داده‌ها و حوزه شخصی افراد دست یابد. در این نظام، استثناهای قانونی نیز محدود، شفاف و همواره تحت نظارت دقیق قضایی اعمال می‌شوند.

در مقابل، نظام حقوقی ایران اگرچه در اصولی مانند اصل ۲۲ و ۲۵ قانون اساسی، حریم خصوصی را به رسمیت شناخته و در قوانین جزایی همچون قانون جرایم رایانه‌ای و قانون مجازات اسلامی به حمایت کیفری از آن پرداخته، اما به دلیل پراکندگی مقررات، فقدان تعریف جامع و کاربردی از مفهوم حریم خصوصی، نبود نهاد نظارتی مستقل، و تعارض میان الزامات فقهی، امنیتی و حقوق بشری، نتوانسته است حمایت کیفری مؤثر و منسجمی فراهم آورد. ورود مفاهیمی چون «امر به معروف و نهی از منکر» و ملاحظات امنیت ملی، بدون مرزبندی‌های روشن، گاه منجر به نقض بی‌ضابطه حریم خصوصی شده است. از این رو، اصلاح ساختار تقنینی ایران، در قالب تدوین قانون جامع حمایت از حریم خصوصی با تعریف دقیق و به‌روز، طراحی ضمانت‌های اجرای متناسب، و تشکیل نهاد مستقل نظارتی، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین، بهره‌گیری از تجارب نظام حقوقی فرانسه، به‌ویژه در استفاده از استانداردهای بین‌المللی و نظارت‌های مؤثر قضایی، می‌تواند مسیر مناسبی برای تقویت حمایت کیفری از حریم خصوصی در ایران فراهم کند.

در نهایت، حمایت واقعی و عملی از حریم خصوصی، مستلزم ایجاد توازن دقیق و پایدار میان آزادی‌های فردی و الزامات امنیتی است؛ توازنی که جز با اراده تقنینی جدی، نهادسازی مؤثر و فرهنگ‌سازی گسترده حقوقی قابل تحقق نخواهد بود.

۸. پیشنهادها

با عنایت به تحلیل تطبیقی انجام‌شده و شناسایی خلأهای ساختاری در نظام حقوقی ایران، و با آگاهی از تلاش‌های جاری برای تدوین «لایحه حمایت از داده و حریم خصوصی در فضای مجازی»، این پژوهش پیشنهادهایی مشخص برای تقویت و تضمین کارایی نسخه نهایی آن ارائه می‌دهد تا گذار از یک نظام عمدتاً واکنشی به یک چارچوب حمایتی پیشگیرانه و مؤثر، تضمین گردد:

۱. تسریع در تصویب و تقویت محورهای کلیدی «لایحه حمایت از داده و حریم خصوصی در فضای مجازی» ضمن تأکید بر ضرورت تسریع در تصویب لایحه یادشده به‌عنوان گامی اساسی، پیشنهاد می‌شود در نسخه نهایی آن، محورهای زیر با دقت بیشتری تقویت شوند تا قانونی جامع و کارآمد حاصل گردد:

جرم‌انگاری نوین: فراتر از تعاریف موجود، باید به‌صراحت جرایم جدیدی مانند پردازش غیرمجاز داده‌های بیومتریک و استفاده از هوش مصنوعی برای نظارت انبوه، تعریف و جرم‌انگاری شوند تا قانون با واقعیت‌های فناورانه روز همگام باشد.

ضمانت اجرای دوگانه و مؤثر: برای تضمین پایبندی، باید یک نظام دوگانه از ضمانت‌های اجرا طراحی شود:

کیفری: پیش‌بینی مجازات‌های کیفری پلکانی و بازدارنده، از جمله جزای نقدی (مثلاً از ۵۰ میلیون تومان) و حبس تعزیری (مثلاً ۳ تا ۷ سال) برای موارد نقض سازمان یافته.

اداری: اعطای اختیار به نهاد ناظر برای اعمال جریمه‌های اداری سنگین بر شرکت‌ها، که در بند بعد تشریح می‌شود.

شفاف‌سازی و تحدید استثناءها: حیاتی است که در نسخه نهایی، دامنه استثنای مربوط به امنیت ملی یا سایر موارد، به صورت دقیق و مضیق بازتعریف شوند و هرگونه اقدام در این حوزه‌ها، نیازمند مجوز قضایی شفاف و تحت نظارت باشد تا از تفسیرهای موسع و تضعیف قانون جلوگیری شود.

۲. تضمین استقلال و قدرت اجرایی «سازمان ملی حفاظت از داده‌ها»

موفقیت این قانون بیش از هر چیز در گرو تحقق استقلال واقعی نهاد ناظر آن است؛ نقطه ضعفی که در نسخه‌های پیشین لایحه مورد نقد جدی قرار گرفته است. لذا پیشنهاد می‌شود این نهاد که می‌تواند «سازمان ملی حفاظت از داده‌ها» نام گیرد، با ویژگی‌های زیر طراحی و به بازوی اجرایی قدرتمند قانون تبدیل گردد:

استقلال ساختاری و مالی: هرچند این نهاد می‌تواند به لحاظ ساختاری زیر نظر قوه مجریه تعریف شود، اما باید از استقلال کامل مالی و عملیاتی برخوردار باشد. ترکیب هیئت مدیره آن با حضور ۱۱ عضو متخصص (شامل حقوق‌دانان برجسته، کارشناسان فناوری و نمایندگان جامعه مدنی) می‌تواند بی‌طرفی و تخصص آن را تضمین کند.

اختیارات کلیدی و بازدارنده: برای آنکه این سازمان مشابه نهادهای موفق جهانی (مانند CNIL فرانسه) عمل کند، باید به اختیارات زیر مجهز باشد:

رسیدگی مؤثر به شکایات: ایجاد یک درگاه آنلاین کارآمد برای دریافت و رسیدگی به شکایات شهروندان و الزام به پاسخگویی در بازه زمانی مشخص (مثلاً ۳۰ روز).

قدرت اعمال جریمه اداری: به‌عنوان مهم‌ترین ابزار بازدارندگی، این نهاد باید اختیار قانونی برای اعمال جریمه‌های سنگین اداری تا سقف ۵ درصد از درآمد سالانه شرکت یا نهاد متخلف را داشته باشد.

شفافیت و پاسخگویی: الزام سازمان به انتشار گزارش عملکرد سالانه برای ارائه به مجلس شورای اسلامی و عموم مردم به‌منظور نظارت بر فعالیت‌های آن.

به این ترتیب، این پژوهش فراتر از ارائه یک طرح نظری، یک توصیه سیاستی مشخص را برای تکمیل و رفع نواقص مسیر قانون‌گذاری فعلی کشور ارائه می‌دهد. تحقق این موارد، می‌تواند به‌طور مؤثر به تصویب یک قانون قدرتمند و استقرار یک نهاد ناظر مستقل بینجامد و نظام حقوقی ایران را در حوزه حفاظت از حریم خصوصی، به سطح استانداردهای پیشرو جهانی نزدیک سازد.

References

A) Books

1. Khaleghi, A. (2022). *criminal procedure*, Vol. 1, 45th ed., Shahr-e Danesh Publications (In Persian).
2. Kayser, P. (2023). *the protection of privacy by law – protection of the secrecy of private life*, 3rd ed., Economica & Presses universitaires d'Aix Marseille (In French).
3. Malekabadi, H. (2024). *the security of individuals' privacy*, Arshadan Publications (In Persian).
4. Meshkati, M.; Mousavi, S.J. (2024). *an examination of the instances of individuals' privacy*, Emtedad Hekmat Publications (In Persian).

B) Articles

5. Abtahi, F.; Koosha, A.; Montazerqaem, M.; Mirshekari, A. (2022). privacy in public places based on the right to taking photos, *Journal of Comparative Law Review*, Vol. 13, No. 1, pp. 1–22. DOI: <https://doi.org/10.22059/jcl.2021.315309.634120> (In Persian).
6. Amiri Parian, F.; Keshishyan Siraki, G. (2020). a study of the function of “trust” and “political tolerance” in Thomas Hobbes’ theory of social contract, *Journal of Contemporary Political Studies*, Vol. 11, No. 2, pp. 1–26. DOI: <https://doi.org/10.30465/cps.2020.31114.2503> (In Persian).
7. Arzeni, S.; Rousseau, L.; Veltz, P.; Verdier, H. (2008). french competitiveness clusters: a paradoxical approach?, *The Journal of the École de Paris Management*, Vol. 70, No. 2, pp. 37–45. DOI: <https://doi.org/10.3917/jepam.070.0037> (In French).
8. Dargahi, M. (2014). the jurisdiction of intelligence services in entering individuals’ privacy from the perspective of imamite jurisprudence, *Journal of Fiqh*, Vol. 21, No. 82, pp. 77–94. DOI: <https://doi.org/10.22081/jf.2016.21890> (In Persian).
9. Hashemzadegan, A.; Gholami, A. (2021). a critical discussion on the jurisprudential basis of the islamic republic of iran’s policy in online filtering, *Journal of Din va Ertebatat* (Religion and Communications), Vol. 28, No. 2, pp. 653–677. DOI: <https://doi.org/10.30497/rc.2022.76103> (In Persian).
10. Javan Arasteh, H. (2021), a reflection on privacy and limiting enjoining good and forbidding evil in public behaviors from the perspective of fiqh and law, *Islamic Government Quarterly*, Vol. 23, No. 4, pp. 172–194 (In Persian).
11. Kayser, P. (1985). protection of privacy, vol. i: protection of private secrecy, *International Review of Comparative Law*, 1985 edition (In French).
12. Raei, M. (2010). privacy and enjoining good and forbidding evil, *Islamic Government Quarterly*, Vol. 15, No. 2, pp. 113–133 (In Persian).
13. Rahmati, H.O.; Shahriari, H. (2017). ethical requirements for filtering and content curation in cyberspace, *Oqūl-e Vahiyāni Ethics Quarterly*, Vol. 5, No. 2, pp. 145–170 (In Persian).
14. Rostami, V.; Ghamami, S.M.M.; Salimi, H. (2022). legitimate expectation in the administrative law system, *Public Law Studies Quarterly*, Vol. 52, No. 1, pp. 231–248 (In Persian).
15. Sarikhani, A.; Mohtaram Ghalati, I. (2019). interaction of judicial officers with the privacy of vehicles, *The Judiciary’s Law Journal*, No. 105, pp. 163–188. DOI:

- <https://doi.org/10.22106/ijl.2019.35491> (In Persian).
16. Shokri, R.; Sheydaei, M.; Mirkhalili, M. (2017). vehicle privacy in iranian and english law, Islamic Law Research Journal, Vol. 18, No. 45, pp. 29–56. DOI: <https://doi.org/10.30497/law.2017.2091> (In Persian).
 17. Yazdian Jafari, J.; Kheirmand, E. (2015). criminal paternalism: concept, types, legitimacy and its manifestations in criminal law, Journal of Islamic Law, Vol. 12, No. 45, pp. 67–106 (In Persian).

C) Cases

18. Versini Campinchi, J.P.; Crasnianski, T. (2016), Versini Campinchi and Crasnianski v. France, no. 49176/11, European Court of Human Rights. <https://hudoc.echr.coe.int/eng?i=001-163612> (In French).

D) Other References

19. Alef News (2023), arrest of two individuals featured in the unethical video of the gilán case, Alef News, December 10. <https://www.alef.ir/news/4020919063.html> (In Persian).
20. Asr Iran (2024a), instagram page of 333 doctors and surgeons closed / reason: publishing patient images, Asr Iran, October 19. <https://www.asriran.com/fa/news/1007674> (In Persian).
21. Asr Iran (2024b), telegram owner questioned in paris court; serious charges against durov, Asr Iran, August 25. <https://www.asriran.com/fa/news/985442> (In Persian).
22. CNIL (2022), facial recognition: 20 million euros penalty against clearview ai, Commission Nationale de l'Informatique et des Libertés, October 19. <https://www.cnil.fr/en/facial-recognition-20-million-euros-penalty-against-clearview-ai> (in French).
23. CNIL (2009), deliberation no. 2009-201 of april 16, 2009 imposing a monetary sanction against the company jean marc philippe, Éditions Tissot. <https://www.editions-tissot.fr/droit-travail/jurisprudence-sante-securite-fiche-print.aspx?occlId=160> (In French).
24. Faramarzi, L.; Fani, R. (2024). a criminological study of the law on the protection of promoters of virtue and preventers of vice, Paper presented at the First International Conference on Law, Political Science, Islamic Politics, and Islamic Jurisprudence (In Persian).
25. Fathi, M.; Soleimani, V. (2018). critique of iran's criminal policy regarding privacy, Paper presented at the 6th National Conference on Law and Judicial Studies, Tehran (In Persian).
26. Fazeli, A.; Arzhang, A.; Zaki Khani, N. (2015). the ontological origin of natural rights according to thomas aquinas and innate rights among imamite jurists, Journal of Ontological Research (In Persian).
27. FIDH (2016), libya: report on the amesys case, Fédération Internationale des Droits de l'Homme. https://www.fidh.org/IMG/pdf/l_affaire_amesys_2016_fr-web2.pdf (In French).
28. Gholami, B. (2017). privacy in criminal law, MSc thesis, Faculty of Law and Political Science, University of Mazandaran (In Persian).
29. IRNA (2014), common areas of apartments, hotels, hospitals, and vehicles are not

-
- considered private, Islamic Republic News Agency, October 21. <https://www.irna.ir/news/81357173/> (In Persian).
30. Jaber Fardouei, E. (2016), privacy with a view to the chastity law and the law on the protection of enjoiners of good and bidders of evil, MSc thesis, Faculty of Law, University of Qom (In Persian).
 31. Khaleghi, A. (2022), dr. ali khaleghi's critique of the attorney general's statement on vehicles not being private, Vokalapress. <https://vokalapress.ir/> (In Persian).
 32. Khodabakhshi Haftshajani, J.; Sadeghi, M.; Rahnema, K.; Khodabakhshi, S. (2014), security, privacy, and privacy protection techniques in social networks, Paper presented at the 2nd International Conference on Novel Achievements in Engineering and Basic Sciences, Ardabil. <https://civilica.com/doc/358687/> (In Persian).
 33. Mashregh News (2023), video / 16-year-old hacker breaches 80 telegram accounts, Mashregh News, October 17. <https://www.mashreghnews.ir/news/1539941> (In Persian).
 34. Menais, A.; Marcoux, M.; des Courtis, P. (2019), a general overview of french data protection law, Mondaq (In French).
 35. Norouzi, F. (2016), globalization of criminal protection of privacy, MSc thesis, Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Central Tehran Branch (In Persian).
 36. Zabhi, N.; Nadim, M. (2020), mechanisms of the 2013 criminal procedure law in support of privacy, Paper presented at the 4th International Conference on Legal and Judicial Studies (In Persian).